

بچه‌ی نوتروفیلی من ، سلام 🍷

به رسم همیشه که توی این مسیر کنارت بودیم ، این بار هم یک مجموعه سوال برای شب امتحانات آماده کردیم که با کار کردنشون تسلط رو افزایش بدی و به امید خدا بری واسه نمره‌ی ۲۰ 🍷
جان دلم نترسی از سختی امتحانات اگه به کتاب درسی کاملاً مسلط باشی و این مجموعه سوال رو هم به عنوان مکمل حل کنی مطمئن باش نمره‌ت بهتر از چیزی که فکرش رو کنی میشه 🍷
یادت باشه امتحانات نهایی رو جدی رو بگیری چون با نمره‌ی خوب این امتحانات کار کنکور رو خیلی آسون میکنی
یه حرف دلی هم دارم با بچه‌هایی که کمی دیرتر شروع کردن ...
مبادا خودت رو ببازی بچه‌ی من امید دارم بهت و میدونم اگه خوب بخونی قطعاً میتونی نمره‌ی عالی بگیری پس پرقدرت بریم واسه ترکوندن اولین امتحان 🍷
یادت نره این فایل رو برای اون دوستت که بهش احتیاج داره بفرستی و جزئی از این زنجیره‌ی عشق و مهربونی باشی 🍷
پ ن: مرسی که با وجود درگیری‌های ذهنی و عدم تمرکزی که ماجرای کارت ورود به جلسه براتون به همراه داشت ، همچنان قوی موندی و ادامه میدی 🍷
به امید روزی که اینجا به عنوان همکار کنار خانواده‌ی بزرگ نوتروفیل باشی



دوست همیشگی تو ، نوتروفیل



روش مطالعه :

اول از همه بریم سراغ قلمرو زبانی . برای این قسمت باید معنی واژگان و املا رو کامل بلد باشی و البته دستور .اگه برای دستور ضعف داری میتونی از کلاس یا درسنامه کمک بگیری .

قسمت بعدی قلمرو ادبیه که شامل شعر حفظی،تاریخ ادبیات و آرایه هاست. آرایه رو هم مثل دستور اگه ضعف داری کلاس ببین یا درسنامه بخون . و اما قسمت آخر قلمرو فکری . توی این قسمت باید بلد باشین نثر و شعر رو به صورت فارسی روان معنی کنین و همینطور مفهوم هر خط از کتاب رو بلد باشین .

ادبیات خیلی ضریبش بالاست حسابی جدی بگیرینش و از نمونه سوال خفنی هم که براتون گذاشتیم استفاده کنین.



بارم بندی ادبیات دهم

نمره	موضوع ها	قلمروها
۱	معنی واژه	زبانی نمره ۷
۲	املا	
۴	دستور	
۳	آرایه های ادبی	ادبی نمره ۵
۱	تاریخ ادبیات	
۱	حفظ شعر	
۴	درک مطلب	فکری نمره ۸
۲	معنی و مفهوم نثر	
۲	معنی و مفهوم نظم	

ادبیات دهم

۱ در گذر زمان، شکل نوشتاری و گفتاری برخی کلمات تغییر می‌کند؛ کدام یک از دو واژهٔ مشخص شده مشمول این تحوّل شده است؟
در بُن این پردهٔ نیلوفری کیست کند با چو منی "همسری"؟
رها شد ز بندِ زره موی اوی "درفشان" چو خورشید شد، روی اوی

۲ در گذر زمان، شکل نوشتاری و گفتاری برخی کلمات تغییر می‌کند؛ کدام یک از دو واژهٔ مشخص شده مشمول این تحوّل شده است؟
در بُن این پردهٔ نیلوفری کیست کند با چو منی "همسری"؟
رها شد ز بندِ زره موی اوی "درفشان" چو خورشید شد، روی اوی

معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.

۳ و در آن دستی نازک داشت.

۴ ستاره‌ها یک‌یک رنگ می‌باختند.

۵ بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند.

۶ کآفتاب نعمتم شد زیر میغ

۷ چو بدخواه او چاره‌گر بُد به جنگ

۸ در برابر قوّهٔ الهی آنان، هیچ قدرتی را یارای ایستایی نیست.

۹ یک ضرب‌المثل، معادلِ مصراع دوم بیتِ زیر بنویسید.

نباشی بس ایمن به بازوی خویش "خورد گاو نادان ز پهلوی خویش"

۱۰ نقش دستوری واژگان مشخص‌شده، در کدام گزینه به‌درستی بیان شده است؟

"ابر زمن حامل سرمایه شد باغِ زمن صاحب پیرایه شد"

الف) نهاد، مضاف‌الیه، مسند، مضاف‌الیه

ب) نهاد، متمم، مسند، مضاف‌الیه

پ) فاعل، متمم، مفعول، مضاف‌الیه

۱۱ موارد مرتبط را به هم وصل کنید.

الف) زهی	۱) زیور
ب) کام	۲) حمل‌کننده
پ) حامل	۳) دهان
ت) پیرایه	۴) آفرین

۱۲ یک اثر در زمینه "ادبیات تعلیمی" ذکر کنید.

۱۳ در بیت‌های داده‌شده دو آرایه تشخیص و حس آمیزی را بیابید.

(الف) لیک چنان خیره و خاموش ماند کز همه شیرین‌سخنی، گوش ماند

۱۴ در بیت‌ها و عبارت‌های زیر آرایه‌های: "مراعات‌النظیر، جناس، حسن تعلیل، حس آمیزی و اغراق" را مشخص کنید.

(الف) لیک چنان خیره و خاموش ماند کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند

(ب) نعره برآورده، فلک کرده کر دیده سیه کرده، شده زهره در

(پ) درختان را دوست می‌دارم که به احترام تو قیام کرده‌اند

(ت) وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها بی‌خویشتم کردی بوی گل و ریحان‌ها

(ث) گه به دهان برزده کف چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف

۱۵ در هر بیت آرایه‌های خواسته‌شده را مشخص کنید.

(الف) به نام کردگار هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک (مجاز - تلمیح)

(ب) الهی فضل خود را یار من کن ز رحمت یک نظر در کار من کن (جناس - کنایه)

۱۶ حکایت زیر را به زبان امروزی بازنویسی کنید.

سگی بر لب جوی استخوانی یافت. چندان که در دهان گرفت، عکس آن را در آب بدید. پنداشت که دیگری است. به شره (طمع) دهان باز کرد تا آن را نیز از روی آب برگیرد. آنچه در دهان بود به باد داد.

۱۷ یکی از ضرب‌المثل‌های زیر را با استفاده از روش بارش فکری گسترش دهید.

(الف) تو نیکی می‌کن و در دجله انداز

(ب) از تو حرکت از خدا برکت

معنی ابیات و عبارات زیر را بنویسید:

۱۸ فروغ رویت اندازی سوی خاک عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک

۱۹ راست به‌مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل، یله

۲۰ صیاد او را برداشت و چون صورت شد که مرده است، بینداخت.

۲۱ مفهوم مشترک دو مصراع زیر چیست؟

(الف) بلندیت باید تواضع گزین.

(ب) بلندی از آن یافت، کاو پست شد.

۲۲ در عبارت زیر همه کلمات کدام گروه دارای حروفی هستند که در زبان فارسی اهمّیت املائی دارد؟

"رنج هیچ کس را ضایع مکن و همه را به سزا، حق‌شناس باش، خاصه قرابت خویش را، چندان که طاقت باشد با ایشان نیکی کن"

(الف) رنج - ضایع - حق - طاقت

(ب) خاصه - قرابت - ضایع - سزا

۲۳ واژه حذف‌شده در مصراع نخست بیت زیر را بنویسید و نوع حذف (قرینه لفظی / قرینه معنایی) را مشخص کنید.

"دو لشکر نظاره بر این جنگ ما بر این گرز و شمشیر و آهنگ ما"

۲۴ در عبارت "نیکوخوا بهتر هزار بار از نیکورو" واژه حذف‌شده و قرینه آن را معین کنید.

باتوجه به شعر و عبارت معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۲۵ بدان کوش که به هر مُحالی از حال و نهاد خویش بنگردی

۲۶ پیران قبیلهٔ خویش را حرمت دار ولیکن به ایشان مولع مباش

۲۷ در عبارت‌های زیر، "مجاز" ها را بیابید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

الف) به کران آب فرود آمدند و خیمه‌ها و شرع‌ها زده بودند.

ب) زری که سلطان محمود به غزو از بتخانه‌ها به شمشیر بیاورده باشد و بتان شکسته و پاره کرده.

نام نویسندگان آثار زیر را بنویسید.

۲۸ الهی‌نامه:

۲۹ گلستان:

۳۰ بهره‌گیری از "مَثَل" چه تأثیری در سخن دارد؟ (دو مورد بنویسید)

۳۱ عبارت "داد از خویشتن دادن" در نثر "و اندر همه کاری داد از خویشتن بدهد" کنایه از چیست؟

۳۲ باتوجه به عبارت زیر "بنا" و "دیوار" نماد چه مفاهیمی هستند؟

"دیگری نمی‌توانست به خانهٔ بهمن برود. عمله بناها و دیوار راه را بر او بسته‌اند. در آن حال که بغض گلویش را می‌فشرد، چندین بار به‌طرف درِ کوچه رفت."

۳۳ مفهوم مشترک دو بیت زیر، چیست؟

الف) دوران روزگار به ما بگذرد بسی
ب) شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم
گاهی شود بهار، دگر گه خزان شود
زود آیند و زود می‌گذرند

۳۴ مفهوم مشترک دو بیت زیر، چیست؟

الف) دوران روزگار به ما بگذرد بسی
ب) شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم
گاهی شود بهار، دگر گه خزان شود
زود آیند و زود می‌گذرند

۳۵ حدیث "حاسبوا قَبْلَ انْ تُحَاسَبُوا"، با کدام عبارت قرابت معنایی دارد؟

الف) به زبان دیگر مگو و به دل دیگر مدار
ب) واندر همه کاری داد از خویشتن بده

۳۶ در عبارت " اثر غم و شادی پیش مردمان بر خود پیدا مکن" نویسندۀ بر کدام ویژگی اخلاقی تأکید دارد؟

۳۷ "گندمنمای جوفروش مباش" کنایه از چیست؟

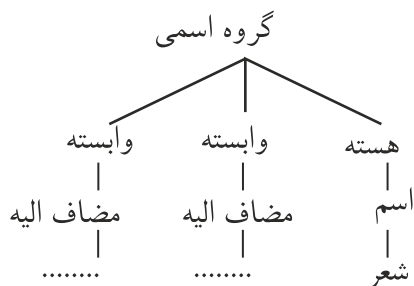
۳۸ معنی و مفهوم عبارت زیر را بنویسید.

"اگر از بیگانه نایمن شوی، زود به مقدار نایمنی، خویش را از وی ایمن گردان."

۳۹ هستهٔ هر یک از گروه‌های زیر را مشخص کنید. (با تغییر)

الف) شش دستگاه دوربین فیلمبرداری نو:

ب) سیصد تومان پول



غلطهای املایی را بیابید و آن‌ها را اصلاح کنید.

۴۱

"عزم و اراده، قبطه بزرگ، غبار راهگزار، آب اجل، آلم شهادت، پسر ابوالعجایب، عهد و پیمان، مهرباب فلق"

معادل معنایی کدامیک از واژه‌های روبه‌رو، در بیت ذکرشده آمده است؟ (کَید، غَنا، غَنا)

۴۲

"سرود پهلوی در ناله چنگ فکنده سوز آتش در دل سنگ"

زمان افعال را در عبارات شعری زیر مشخص کنید.

۴۳

الف در فکر آن گودالم / که خون تو را مکیده است / هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم / در حضيض هم می‌توان عزیز بود.

الف

ب درختان را دوست می‌دارم که به احترام تو قیام کرده‌اند.

ب

باتوجه به دو بیت زیر جای خالی را کامل کنید.

۴۴

آرایه‌های مشترک دو بیت، تشخیص، کنایه، استعاره و است.

الف) بید مجنون در تمام عمر، سر بالا نکرد حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی

ب) چو سرو از راستی برزَد غَلَم را ندید اندر جهان تاراج غم را

باتوجه به دو بیت زیر جای خالی را کامل کنید.

۴۵

آرایه‌های مشترک دو بیت، تشخیص، کنایه، استعاره و است.

الف) بید مجنون در تمام عمر، سر بالا نکرد حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی

ب) چو سرو از راستی برزَد غَلَم را ندید اندر جهان تاراج غم را

آرایه مربوط به هر بیت ستون "الف" را از ستون "ب" بیابید.

۴۶

"الف"	"ب"
الف) بید مجنون در تمام عمر، سر بالا نکرد	حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی (۱) کنایه
ب) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام	بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد (۲) اضافه تشبیهی
پ) خون تو شرف را سرخ گون کرده است.	(۳) حسن تعلیل
ت) بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم	تا سختی کمان شما نیز بگذرد (۴) تلمیح

شعر "سپید" را تعریف کنید.

۴۷

آرایه بارز بیت زیر چیست؟ توضیح دهید.

۴۸

"بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی"

"چندان تناوری و بلند / که به هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می‌افتد."

شعر "درختان را دوست دارم که به احترام تو قیام کرده‌اند و آب را که مهر مادر توست" تلمیح به چیست؟

مفهوم کلی سروده زیر را بنویسید.

"در فکر آن گودالم که خون تو را مکیده است / هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم / در حضيض هم می‌توان عزیز بود / از گودال بپرس"

در متن زیر، "عقل" با چه ویژگی‌هایی وصف شده است؟

چندان تناوری و بلند / که هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می‌افتد

معنی و مفهوم عبارات شعری زیر را بنویسید.

شفق آینه‌دار نجابت / و فلق، محرابی / که تو در آن / نماز صبح شهادت گزارده‌ای

عزمت ضامن دوام جهان شد / که جهان با دروغ می‌پاشد / و خون تو، امضای "راستی" است.

در بیت زیر یک گروه اسمی پیدا کرده، وابسته پیشین، هسته و وابسته پسین را مشخص کنید.

وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب / بر دولت آشیان شما نیز بگذرد

در بیت زیر یک "متمم" که با دو حرف اضافه آمده است؛ آن را بیابید و بنویسید.

چون دادِ عادلان به جهان در، بقا نکرد / بیداد ظالمان شما نیز بگذرد

املای درست را از کلمات داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) اصلاً به چه حق، خروس‌های مردم را سر بریدی و (هلیم - حلیم) درست کردی؟

ب) آب (عجل - اجل) که هست گلوگیر خاص و عام

تفاوت معنایی و کاربردی فعل "شد" را در دو نمونه زیر بیان کنید.

الف) برآهیخت رهام گرز گران / غمی شد ز پیکار دست سران

ب) چو رهام گشت از کشانی ستوه / بیپچید زو روی و شد سوی کوه

در بیت زیر، املای کدام واژه نادرست است؟ صحیح آن را بنویسید.

"هیچم از دنیی و عُقبی نبرد گوشه خاطر / که به دیوار تو شغل است و فراق از دو جهانم"

معنی واژگان زیر را بنویسید.

مفتخر:

حضيض:

در عبارت زیر نوع "واو" را مشخص کنید.

"از خم کتف و سینه فرارفت و دو دست را تا فراز کله نمایان کرد."

بیت زیر چند ترکیب وصفی و اضافی دارد؟

"ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن / تأثیر اختران شما نیز بگذرد"

در کدام یک از ابیات زیر یک گروه اسمی می‌یابید که مطابق الگوی "هسته (اسم) + وابسته (صفت) + وابسته (مضاف‌الیه)" ساخته شده باشد؟ آن را مشخص کنید.

- الف) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام
بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد
- ب) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن
تأثیر اختران شما نیز بگذرد

"مصرع دوم" بیت‌های زیر را بنویسید.

شما را چو باور به یزدان بُوَد هم او مر شما را

نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نامم

در تشبیه موجود در بیت زیر، "مشتبه‌به" را مشخص کنید.

"راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل، یله"

در ابیات داده‌شده، به ترتیب آرایه‌های "استعاره، تشبیه، تشخیص و کنایه" را بیابید. (با ذکر دقیق عبارت و مفهوم آرایه)

- الف) در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت این عوعو سگان شما نیز بگذرد
- ب) چندان تناوری و بلند / که به‌هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می افتد
- پ) تو تنه‌اتر از شجاعت / در گوشه روشن وجدان تاریخ ایستاده ای
- ت) برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

بیت‌های زیر را کامل کنید.

..... / به علی شناختم من به خدا قسم خدا را

تا خار غم عشقت آویخته در دامن /

در بیت زیر کدام کلمات در مفهوم استعاری به کار رفته‌اند؟ توضیح دهید.

"زین کاروان‌سرای بسی کاروان گذشت ناچار، کاروان شما نیز بگذرد"

در بیت زیر مقصود شاعر از "رمه" و "چوپان گرگ‌طبع" چیست؟

ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ‌طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد

در بیت "در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت این عوعو سگان شما نیز بگذرد" منظور از شیران و سگان چیست؟

معنی و مفهوم را به نثر روان بنویسید.

وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت آشیان شما نیز بگذرد

بر تیر جورئان ز تحمّل سپر کنیم تا سختی کمان شما نیز بگذرد

بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

نقش دستوری واژه مشخص شده در بیت زیر، با نقش دستوری کدام واژه مشخص شده در ابیات، یکسان است؟
"معلم را عادت بود که نقشه نیم کاری با خود به کلاس آورد"

- الف) گوش کن پند، ای پسر وز بهر دنیا غم مخور گفتمت چون در حدیثی گر توانی داشت گوش
ب) لاله دیدم، روی زیبای توام آمد به یاد شعله دیدم، سرکشی‌های توام آمد به یاد

باتوجه به بیت (غبار راهگذارت کجاست تا حافظ / به یادگار نسیم صبا نگه دارد) به سؤالات پاسخ دهید.

کدام واژه "دو تلفظی" است؟

نقش دستوری "ضمیر متصل مشخص شده" را بنویسید.

باتوجه به بیت "دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای / فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد" یک "معادل معنایی" برای واژه "معاش" در عبارت زیر بیابید و بنویسید.

و در میان سردمداران این تحوّل زمانی زندگی کند و از نسیان و غفلت، هرگز در نیابد که در کجا و در چه زمانی زیست می‌کند.

نقش دستوری واژه مشخص شده در بیت زیر، با نقش دستوری کدام واژه مشخص شده در ابیات، یکسان است؟
"معلم را عادت بود که نقشه نیم کاری با خود به کلاس آورد"

- الف) گوش کن پند، ای پسر وز بهر دنیا غم مخور گفتمت چون در حدیثی گر توانی داشت گوش
ب) لاله دیدم، روی زیبای توام آمد به یاد شعله دیدم، سرکشی‌های توام آمد به یاد

در بیت زیر ضمیر و مرجع ضمیر را نشان دهید. آیا جهش ضمیر نیز دیده می‌شود آن را مشخص کنید.
"چو گفتمش که دلم را نگاهدار چه گفت / از دست بنده چه خیزد خدا نگه دارد"

درستی یا نادرستی موارد زیر را مشخص نمایید.

در مصراع: "ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد" نقش ضمیر پیوسته "ـش"، "متمم" است.

در مصراع: "گر در طلبت رنجی ما را برسد، شاید" فعل "برسد"، "مضارع اخباری" است.

نقش دستوری ضمیر پیوسته (متصل) را در گزینه‌های زیر بنویسید.

ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد.

چرا غم دگران می‌کند پریشانم

معادل معنایی واژگان زیر را در ابیات آمده بیابید. (دو واژه اضافی است)
"پستی، یادداشت، دسته، روایت"

- الف) حدیث روضه نگویم، گل بهشت نبویم جمال حور نجویم، دوان به‌سوی تو باشم
ب) ز بس هندو انبوه چون خیل زاغ ز بس خشت و خنجر چو رخشان چراغ

"محمد بن منور" نویسنده کتاب و "اتاق آبی" اثر است.

در بیت زیر، دو آرایه را بیابید.
"سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری / که حق صحبت مهر و وفا نگه دارد"

آرایه‌های "تشبیه، استعاره، حسن تعلیل، کنایه" به ترتیب در کدام گزینه دیده می‌شود؟
 (الف) بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد
 (ب) بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت
 (ج) هر آن‌که جانب اهل وفا نگه دارد
 (د) صداقت / شیرین‌ترین لبخند / بر لبان اراده‌توست.

واژه‌هایی را که پدیدآورندهٔ آرایهٔ ایهام است، مشخص کنید و معانی آن‌ها را بنویسید.

بی‌مهر رخت روز مرا نور نمانده است وز عمر مرا جز شب دیجور نمانده است

در ابیات زیر واژه‌هایی را که "ایهام" یا "ایهام تناسب" دارند، مشخص کنید.

چون قدّ سرو خرام تو بگویم سخنی در چمن سرو به بالای تو می‌ماند راست

چرا ملامت خواجه کنی که چون فرهاد به پای دوست درافکند جان شیرین

واژهٔ "مدام" در کدام بیت "ایهام" و در کدام بیت "ایهام تناسب" است؟

(الف) ما را ز خمار غم هجران خبری نیست چون مست مدام ز می جام وصال
 (ب) ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم ای بی‌خبر ز لذت شرب مدام ما

بیت زیر با کدام یک از ابیات قرابت مفهومی دارد؟

"تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش"
 (الف) حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست که آشنا سخن آشنا نگه دارد
 (ب) گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان نگاه‌دار سر رشته تا نگه دارد

معنی و مفهوم بیت "چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت ز دست بنده چه خیزد خدا نگه دارد" را بنویسید.

دربارهٔ ارتباط معنایی دو عبارت زیر توضیح دهید. (لطفاً عبارات را معنی نکنید)

"ما موشی در حقه به تو دادیم، تو پنهان نتوانستی داشت؛ سرّ خدای را با تو بگوئیم، چگونه نگاه خواهی داشت؟!"
 "تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش"

مفهوم کلی بیت زیر را بیان کنید.

"ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست در حضرت کریم تمنا چه حاجت است"

کدام بیت با آیهٔ "من یتوکل علی الله فهو حسبه" تناسب مفهومی دارد؟

(الف) چو گفتمش که دلم را نگه دار، چه گفت؟ ز دست بنده چه خیزد، خدا نگه دارد
 (ب) هر آن‌که جانب اهل وفا نگه دارد خداهش در همه حال از بلا نگه دارد

در بیت زیر یک واژهٔ "دو تلفظی" بیابید.

"زهد پیدا کفر پنهان بود چندین روزگار پرده از سر برگرفتیم آن همه تزویر را"

باتوجه به بیت زیر، یک معادل معنایی برای واژهٔ "شیفته" بیابید.

وقتی دل سودایی، می‌رفت به بستان‌ها بی‌خویشتم کردی، بوی گل و ریحان‌ها

در عبارت زیر هسته و نوع وابسته‌ها را مشخص کنید.

"این قصه عجیب‌ترین قصه‌هاست"

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۱۰۱ ازبهر آنکه در مقابل لئیمپ کریمی کرد.

۱۰۲ نوع حذف را در هریک از ابیات و عبارتهای زیر مشخص کنید.

الف) نیکوخوا بهتر هزار بار از نیکورو.

ب) من هم او را نصیحت می‌کنم هم شما را.

۱۰۳ مترادف واژه‌های "دوری و دشمنی" را از میان واژگان زیر بیابید.

"وصلت - محنت - فرقت - عنایت - عداوت"

۱۰۴ از بین واژه‌های زیر کدام ها دو تلفظی هستند؟

(خداوند - مستمند - پروردگار - کاروان - سازگار - دانشمند - غیب‌دان - رایگان - پاسبان - رستگار)

۱۰۵ بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی معیار مرتب کنید.

تا نگردی بی‌خبر از جسم و جان کی خبر یابی ز جانان یک‌زمان

۱۰۶ "مصراع اول" بیت زیر را بنویسید.

..... عهد همه بشکستم بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها

۱۰۷ بیت یا عبارت داده شده در ستون "الف" دارای کدام آرایه در ستون "ب" است؟ (یک آرایه در ستون ب اضافه است)

اغراق	۱- ما را سر باغ و بوستان نیست / هر جا که تویی تفرج آنجاست
سجع	۲- گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ‌های بی‌شمار است
حسن تعلیل آمیزی	۳- شود کوه آهن چو دریای آب / اگر بشنود نام افراسیاب
حسن آمیزی	۴- یوسف صدیق، وفادار بود و یعقوب خود او را به صبر آموزگار بود
مجاز	$1 = 2 = 3 = 4$

مصراع‌های دوم را بنویسید:

۱۰۸ وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها /

۱۰۹ گه نعره زدی بلبل، گه جامه دریدی گل /

۱۱۰ گویند مگو سعدی، چندین سخن از عشقش /

۱۱۱ آرایه "ایهام" را در بیت زیر بیابید.

"گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها"

۱۱۲ عبارت "از بهر آنکه در مقابله جفا، وفا کرد و در مقابله زشتی، آشتی" با کدام ضرب‌المثل زیر تناسب معنایی دارد؟ مفهوم مشترک آن‌ها را بنویسید.

الف) از کوزه همان برون تراود که در اوست
ب) خورد گاو نادان ز پهلوی خویش

۱۱۳ هریک از آیه‌های شریفه زیر با کدام عبارت، تناسب دارد؟ شماره عبارت را داخل کمانک وارد کنید.

الف) { لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ } ()

ب) { أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَتَمَيَّنُ الْقُلُوبُ } ()

ج) { وَمَكْرُوهَا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ } ()

۱) در معرکه قلوب مجاهدان خدا، آرامشی که حاصل ایمان است، حکومت دارد.

۲) هرگز کید کایدان با خواست خداوند غیب‌دان، برابر نیاید.

۳) هر آفریده‌ای نشانه خداوند است، اما هیچ آفریده‌ای نشان‌دهنده او نیست.

۱۱۴ به چه دلیل نویسنده معتقد است که: "مَثَلُ قرآن، مَثَلُ آب روان است"؟

ابیات و عبارات داده‌شده را معنی کنید.

۱۱۵ زینهار تا سر این حقه باز نکنی.

۱۱۶ سه ماه بود که موی سر باز نکرده بودیم.

۱۱۷ در بدایت بنده چاه بود و در نهایت تخت و گاه بود.

۱۱۸ معنی عبارت زیر را بنویسید.

"هرگز کید کایدان با خواست خداوند غیب‌دان برابر نیاید"

۱۱۹ پسوند کدام واژه مفهوم "شباهت" دارد؟

الف) خورجینک

ب) سوداگر

ج) خواجه وش

۱۲۰ در کدام یک از دو عبارت زیر تعداد غلط املائی بیشتر است؟

الف) چون بخواستیم رفت ما را به انعام و اکرام به راه دریا گسیل کرد؛ چنان که در کرامت و فراق به پارس رسیدیم

ب) بر حریف مقلوب که تسلیم اختیار کرده، مخزول و نالان اسطرحام می‌کرد، رحم نیاورد.

۱۲۱ معنی فعل "شد" در کدام گزینه متفاوت است؟

الف) به گرز گران دست بُرد اشکبوس زمین آهین شد، سپهر آبنوس

ب) ابر ز من حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد

پ) ریش برمی‌کند و می‌گفت: "ای دریغ کافتاب نعمتم شد زیر میغ"

۱۲۲ نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

"من هرگز معبودی جز تو نداشتم"

۱۲۳ از میان مجموعه واژگان زیر شکل درست واژه‌هایی را که غلط املائی هستند بنویسید:

"خلف صدق - پلاص پاره - بدایت محنت - مولع و حریص - غرابت و نزدیکان - غلغله زن و تیزپا"

معادل امروزی کلمات مشخص شده را بنویسید.

۱۲۴ چون از در دررفتیم همه خدمت کردند.

۱۲۵ ما به گوشه‌ای بازشدیم.

۱۲۶ احوال مرا نزد وزیر بازگفت.

۱۲۷ چنان که هستی، برنشین و نزدیک من آی.

۱۲۸ دو ویژگی نثر درس "سفر به بصره" را بنویسید.

۱۲۹ ارکان تشبیه را در مصراع زیر مشخص کنید.

"مقام کعبه وصل تو دور افتاده است از ما"

۱۳۰ کاربرد معنایی پسوند "ـک" در واژه "روزک" با کاربرد آن در کدام گزینه یکسان است؟

الف) خورجینگی بود که در آن کتاب می‌نهادم.

ب) تا باشد که ما را دمکی زیادت‌تر در گرمابه بگذارد.

معنی و مفهوم عبارات زیر را ساده و روان بنویسید:

۱۳۱ خدای تبارک و تعالی، همه بندگان خود را از عذاب قرض و دین فرج دهد

۱۳۲ باشد که ما را دمکی زیادت‌تر در گرمابه بگذارد که شوخ از خود باز کنیم.

معنی و مفهوم را به نثر روان بنویسید.

۱۳۳ و مکاری از ما سی دینار مغربی می‌خواست هیچ چاره ندانستیم...

۱۳۴ ما را به انعام و اکرام به راه دریا گسیل کرد چنان که در کرامت و فراغ به پارس رسیدیم.

باتوجه به عبارت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

"آدم در نقشه‌اش نبود و بهتر که نبود، در پیچ و تاب عرفانی اسلیمی، آدم چه کاره بود؟!"

۱۳۵ کدام کلمه "ممال" شده است؟

۱۳۶ نوع "واو" مشخص شده را بنویسید.

۱۳۷ در کدام گروه اسمی کلمات ذکر شده همگی اعضای بدن واژه مشخص شده هستند. "کمیتش" لنگ بود.

الف) گرده - کله - غارب - آخره

ب) یال - فک - وقب - فتراک

۱۳۸

در کدام گزینه هر دو نوع واو (عطف - ربط) دیده می‌شود؟
 الف) دیدم بلبلان و کبک‌ها آواز می‌خواندند و قورباغه هم در آب صدا می‌کند.
 ب) آن خسرو مهربان و خونگرم با سردی و بی‌مهری بسیار نگاهم کرد

۱۳۹

باتوجه به بیت زیر، یک معادل معنایی برای واژه "بیغوله" بیابید.
 "بی‌تو در هر گوشه پایی در گل است وز تو در هر خانه دستی بر سری"

۱۴۰

"واو" عطف و "واو" ربط را در جملات زیر مشخص کنید.
 الف) سکان‌دارها قایق‌هایشان را می‌شویند و همه‌چیز را واری می‌کنند.
 ب) کجا می‌توانی ز قلبم ربایی تو عشق میان من و میهن من
 در جدول زیر واژه‌های مترادف را به یکدیگر وصل کنید. (یک واژه اضافه است)

الف) فراموشی	۱) وقب
ب) میان دو کتف	۲) چنبره گردن
پ) بی‌ریا و صمیمی	۳) نسیان
ت) آخره	۴) غارب
	۵) بی‌تکلف

باتوجه به عبارت "معلم نقاشی مرا خبر سازید که شاگرد وفادار حقیرت، هر جا به کار صورتگری در می‌ماند، چاره درماندگی به شیوه معلم خود می‌کند" از درس "کلاس نقاشی" به دو پرسش زیر پاسخ دهید.

۱۴۲

یک) منظور از "شاگرد" وفادار حقیر کیست؟
 الف) جلال آل احمد
 ب) سهراب سپهری

۱۴۳

دو) از میان آثار داده شده نام کتاب او را انتخاب کنید. (ارزیابی شتابزده - اتاق آبی - اسرار التوحید - من زنده‌ام)
 مفهوم کنایه‌های زیر را مشخص نمایید.

۱۴۴

توی جماعت، بُر خورده بودیم.

۱۴۵

دست‌آخر با حقارت زندگی‌هامان اُخت شد.

۱۴۶

هرچه بر او تنگ گرفتند، کمر بند خود را تنگ‌تر بست.

۱۴۷

شستم خبردار شد.

۱۴۸

در کدام گزینه آرایه جناس تام (همسان) دیده می‌شود؟
 الف) مشو دلبسته هستی که دوران هر آن را زاد، زاد از بهر کشتن
 ب) گر چین سر زلف تو مشاطه گشاید عطار به یک جو نخرد نافه چین را

نام پدیدآورندگان هریک از آثار زیر را بنویسید.

۱۴۹ ارزیابی شتاب زده:

۱۵۰ سفرنامه:

۱۵۱ گلستان:

۱۵۲ شعر "آی آدم‌ها":

۱۵۳ اتاق آبی:

ابیات و نثرهای داده‌شده را به فارسی روان برگردانید.

۱۵۴ همچون مروارید در دل صدف کج‌وکوله‌ای سال‌ها بسته ماند.

۱۵۵ کارش نگار نقشه قالی بود و در آن دستی نازک داشت.

۱۵۶ هرچه بر او تنگ گرفتند کمر بند خود را تنگ‌تر بست.

۱۵۷ مفهوم جمله "در پیچ‌وتاب عرفانی اسلیمی، آدم چه کاره بود؟" را بنویسید.

۱۵۸ باتوجه‌به متن زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

بار اول که پیرمرد را دیدم در کنگره نویسندگانی بود که خانه فرهنگ شوروی در تهران علم کرده بود؛ زبروزرنگ می‌آمد و می‌رفت، دیگر شعرا کاری به کار او نداشتند. من هم که شاعر بودم و علاوه بر آن، جوانکی بودم و توی جماعت بُر خورده بودم. شبی که نوبت شعر خواندن او بود، یادم هست. برق خاموش شد و او "آی آدم‌هایش" را خواند.

الف منظور از "پیرمرد" کیست؟

ب "علم کرده بود." یعنی چه؟

پ شعر "آی آدم‌ها" اثر کیست؟

ت چه کسی بار اول پیرمرد را دیده است؟

الف) توگویی تقدیر تاریخی زمین در حاشیهٔ ارونرود جاری می‌گردد.

گروه اسمی		
هسته:	وابسته:	وابسته:
اسم:	صفت:	مضاف‌الیه:

ب) و آن آستین خالی که با باد جابه‌جا می‌شود، نشانهٔ مردانگی است.

گروه اسمی		
وابسته:	هسته:	وابسته:
صفت:	اسم:	صفت:

در بیت: "برایم قابل‌درک است اگر چشم‌ت به راهم نیست

برای اهل دریا شوق بارانی نمی‌ماند"

"جملهٔ مرکب" در کدام مصرع دیده می‌شود؟

"جملهٔ هسته" را مشخص کنید.

در عبارت زیر، جملهٔ هسته (پایه) و جملهٔ وابسته (پیرو) را مشخص کنید.

معنای خاکریز هم آن‌گاه تفهیم می‌شود که در میان یک دشت باز گرفتار آتش دشمن باشی.

انواع واو را مشخص کنید.

دل از من برد و روی از من نهان کرد.

سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری که حق صحبت مهر و وفا نگه دارد

در عبارت زیر جملهٔ هسته و وابسته را مشخص نمایید.

"گاه‌به‌گاه گروهی از خط‌شکن‌ها را می‌بینی که فاتحانه و بی‌غرور، بعد از شبی پرحادثه بازمی‌گردند."

قسمت‌های مشخص‌شده دارای کدام آرایهٔ ادبی است.

"حسرت نبرم به خواب آن مرداب کارام درون دشت شب خفتست"

جاهای خالی را با واژه‌های مناسب پر کنید.

اسرارالتوحید فی مقامات ابوسعید ابوالخیر اثر است.

۱۶۷ درس "دریادلان صف‌شکن" از نوشته‌های است.

۱۶۸ ترکیبات کدام گزینه تماماً تشبیه (اضافه تشبیهی) محسوب می‌شوند؟

الف) آفتاب فتح، دریای عشق، سراپای زندگی، مراتب قرب

ب) دشت شب، معركة قلوب مجاهدان، آسمان سینه مؤمنین، گنجینه راز

۱۶۹ مفهوم مشترک بیت و عبارت زیر را بنویسید.

- من ایرانی‌ام آرمانم شهادت تجلی هستی است، جان‌کندن من

- کجا از مرگ می‌هراسد آن کس که به جاودانگی روح خویش در جوار رحمت حق آگاه است؟

معنا و مفهوم عبارت‌های زیر را ساده و روان بنویسید.

۱۷۰ تاریخ مشیت باری تعالی است که از طریق انسان‌ها به انجام می‌رسد.

۱۷۱ باتوجه به بیت "در دکان بودی نگهبان دکان نکته گفتی با همه سوداگران"

الف) مقصود از سوداگران چه کسانی است؟

ب) عبارت "نکته گفتن" در مصراع دوم به چه معنا است؟

۱۷۲ مفهوم نهایی عبارت زیر را بنویسید.

"کجا از مرگ می‌هراسد آن کس که به جاودانگی روح خویش در جوار رحمت حق آگاه است."

۱۷۳ باتوجه به متن درس "دریادلان صف‌شکن" چرا نویسنده معتقد است که همه تاریخ اینجا (جبهه) حاضر است؛ بدر و حنین و عاشورا اینجا است؟

۱۷۴ بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی مرتب کنید.

برآشفست سهراب و شد چون پلنگ چو بدخواه او چاره‌گر بُد به جنگ

۱۷۵ بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای سازنده در زبان فارسی، مرتب کنید.

دگر ره چنان شد هنر آشکار کز آن خیره شد دیده روزگار

۱۷۶ در گروه کلمات زیر کلمه‌ای که غلط املایی دارد را مشخص کرده و صحیح آن را بنویسید.

"عرفانی اسلیمی، وغب و غارب، رعب و وحشت، مغریان و قرآن‌خوانان، تقریض و مطلب ستایش‌آمیز، خصم و دشمن، وقاها و بی‌شرمی"

معنای کلمات مشخص شده زیر را ذکر کنید.

۱۷۷ متن تقریظ بر کتاب

۱۷۸ بتازد به نیرنگ تو، توسن من

۱۷۹ تجلی هستی است جان‌کندن من

۱۸۰ نقش دستوری کلمات مشخص شده را در بیت زیر بنویسید.

"تنم گر بسوزی، به تیرم بدوزی جداسازی‌ای خصم سر از تن من"

- الف) اگرچه مرا این رنج، ساخته و گداخته کرده است، اصلاً حاضر نیستم یک قدم از خودم عقب‌نشینی کنم.
 ب) من از کجا باور کنم تویی تا سلامت کنم.
 ج) گل صبر می‌پرورد دامن من.
 د) از زمین و آسمان مرگ به شهر می‌بارید.
 ه) ازدحام مردم برای اهدای خون و کمک‌رسانی همه کارکنان بیمارستان را کلافه کرده بود.

هر حماسه چند ویژگی دارد؛ داستانی،، ملی و

"گل صبر می‌پرورد دامن من"

"به خون، گر کشی خاک من، دشمن من
 بجوشد گل اندر گل از گلشن من"

مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

تجلی هستی است جان کندن من

که بعد از من افروزد از مدفن من

الف) کجا می‌توانی، ز قلبم زبایی
 تو عشق میان من و میهن من؟

ب) جز از جام توحید، هرگز نوشم
 زنی گر به تیغ ستم گردن من

- من ایرانی‌ام آرمانم شهادت
 تجلی هستی است، جان کندن من

- کجا از مرگ می‌هراسد آن کس که به جاودانگی روح خویش در جوار رحمت حق آگاه است؟

تا ز بر خاکی ای درخت تنومند
 مگسل از این آب و خاک ریشه پیوند

"جز از جام توحید هرگز نوشم
 زنی گر به تیغ ستم گردن من"

الف) من آزاده از خاک آزادگانم گل صبر، می‌پرورد دامن من	- صبر
ب) مرزداران دلیرت جان به کف سرفرازان سپاهت صف به صف	- میهن‌پرستی
ج) گر قلب‌های مرده از عشق وطن تهی است از سینه‌های سرد حصار قساوت است	- کشته شدن در راه وطن
د) مشمت خاشاکی، کجا بندد ره سیلاب را؟ پایداری پیش اشکم کار دامن نیست، نیست	- پایداری و مقاومت
و) به خون گر کشی خاک من، دشمن من بجوشد گل اندر گل از گلشن من	

۱۹۳ باتوجه به بیت "کمان را بمالید رستم، به چنگ / به سُست اندر آورده، تیر خدنگ" برای واژه "سُست" یک هم آوا بنویسید.

باتوجه به بیت "دلیری کجا نام او اشکیوس / همی برخوردید بر سان کوس" درستی یا نادرستی گزاره‌ها را مشخص کنید.

۱۹۴ در بیت یک فعل به قرینه معنایی حذف شده است.

۱۹۵ واژه "کجا" حرف ربط وابسته‌ساز است.

۱۹۶ از میان گروه کلمات زیر یک واژه انتخاب کنید که با واژه مشخص شده در مصراع داده شده مترادف باشد.
زمانه مرا پتک "ترگ" تو کرد (خدنگ - گرز - آبنوس - خود)

در هریک از موارد زیر، یک نادرستی املایی وجود دارد؛ آن را بیابید و شکل درست آن را بنویسید.

۱۹۷ پس به ضجر و مصادره از وی بازستانی و در خزانه نهی، درویش و رعیت را چه سود دارد؟

۱۹۸ در بیت زیر، کدام واژه‌ها "ممال" اند؟
"کشانی بدو گفت با تو سلیح نبینم همی جز فسوس و مزیح"

۱۹۹ نوع "را" در مصراع "مرا مادرم نام، مرگ تو کرد" را بنویسید.

۲۰۰ در بیت زیر کدام ویژگی تاریخ‌گذاشته زبان فارسی (دستور کهن) به کار رفته است؟
"به جمشید بر تیره گون گشت روز همی کاست زو قَر گیتی‌فروز"

۲۰۱ نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
"ذوالنون مصری پادشاهی را گفت..."

۲۰۲ برای واژه "گرز" بر اساس شبکه معنایی دو واژه دیگر بنویسید.

کلمات مشخص شده را معنی کنید.

۲۰۳ کشانی بدو گفت: بی‌بارگی به کشتن دهی سر به یک‌بارگی

۲۰۴

در هر یک از دو بیت زیر کدام ویژگی حماسه وجود دارد؟

- الف) نمائد ایچ با روی خورشید رنگ
ب) ز فتراک بگشود پیچان کمند
- به جوش آمده خاک بر کوه و سنگ
بینداخت و آمد میانش به بند

۲۰۵

کلمات قافیه در کدام بیت آرایه "جناس تام" (همسان) دارد؟

- الف) گلاب است گویی به جویش روان
ب) کار پاکان را قیاس از خود مگیر
- همی شاد گردد به بویش روان
گر چه ماند در نبشتن شیر و شیر
- ج) نباشی بس ایمن به بازوی خویش
خورد گاو نادان، ز پهلوی خویش

۲۰۶

بیت یا عبارت داده شده در ستون "الف" دارای کدام آرایه در ستون "ب" است؟ (یک آرایه در ستون ب اضافه است)

الف	ب
۱- ما را سر باغ و بوستان نیست / هر جا که تویی تفرج آنجاست	اغراق
۲- گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ‌های بی‌شمار است	سجع
۳- شود کوه آهن چون دریای آب / اگر بشنود نام افراسیاب	حسن تعلیلی
۴- یوسف صدیق، وفادار بود و یعقوب خود او را به صبر آموزگار بود	حسن آمیزی
	مجاز

مفهوم کنایی هریک از عبارات داده شده را بنویسید.

۲۰۷

عنان گران کردن:

۲۰۸

سر هم‌نبرد به گرد آوردن:

۲۰۹

با کلمات پیشنهادی "کابوس - اشکیوس - کیخسرو - توران - افراسیاب - کوشان" جاهای خالی را پر کنید.
هنگامی که در ایران بر تخت نشست در سرزمین بر تخت پادشاهی نشسته بود.

۲۱۰

آرایه‌های داده‌شده را به مصراع‌های مربوط وصل کنید.

الف) استعاره	۱) خروش سواران و اسپان ز دشت	ز بهرام و کیوان همی برگذشت
ب) کنایه	۲) به لشکر چنین گفت کاموس گرد	که گر آسمان را بیاید سپرد
پ) مجاز	۳) به رستم برآنگه ببارید تیر	تهمتن بدو گفت بر خیره خیر

"الف"	"ب"
(۱) چندان تناوری و بلند / که هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می‌افتد	الف) رازداری =
(۲) هر آن که گردش گیتی به کین او برخاست / به غیر مصلحتش رهبری کند ایام	ب) ناتوانی اندیشه =
(۳) سپهبد، عنان اژدها را سپرد / به خشم از جهان، روشنایی ببرد	ج) توقف کردن =
(۴) گشائی بخندید و خیره بماند / عنان را گران کرد و او را بخواند	د) تقدیرگرایی =
(۵) حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست / که آشنا سخن آشنا نگه دارد	

در هر یک از دو بیت زیر کدام ویژگی حماسه وجود دارد؟

نماید ایچ با روی خورشید رنگ به جوش آمده خاک بر کوه و سنگ (.....)

مفاهیم را به ابیات مربوط وصل کنید.

الف) حمایت از جنگجو	(۱) تو قلب سپه را به آیین بدار	من اکنون پیاده کنم کارزار
ب) نظم لشکر	(۲) تهمتن چنین داد پاسخ که نام	چه پرسی کزین پس نبینی تو کام
پ) تهدید	(۳) برآویخت رهام با اشکبوس	برآمد ز هر دو سپه بوق و کوس

معنی و مفهوم ابیات زیر را بنویسید.

"به گرز گران، دست برد اشکبوس زمین آهنین شد، سپهر آبنوس
برآهیخت رهام، گرز گران غمی شد ز پیکار، دست سران"

معنی و مفهوم بیت "همه تیغ و ساعد زخون بود لعل خروشان دل خاک در زیر نعل" را بنویسید.

منظور از بخش‌های مشخص شده ابیات زیر را بنویسید.

کمان را به زه کرد زود اشکبوس

تنی، لرزلرزان، رخ، سندروس

بزد بر بر و سینه اشکبوس

سپهر آن زمان، دست او داد بوس

از میان گروه‌های اسمی زیر غلط‌ها را مشخص کنید و صحیح آن‌ها را بنویسید.

"مهیّب و ترسناک / طاوان و زیان / وقاحت و بی‌شرمی / خته و سرزمین / نذاره و بیننده / صالح و نیکوکار / جاح و مقام / قنیمت دانستن"

۲۱۸ رستم و ایران:

۲۱۹ آرام و خروشان:

۲۲۰ اسب و حیوان:

۲۲۱ گرد و یل:

۲۲۲ معنی واژه‌های "برسان - درع - بادپا - ویله - دمان - سنان" را به ترتیب بنویسید.

۲۲۳ حرف "ش" در ابیات زیر چه نقشی دارند؟

الف) چو آمد خروشان به تنگ اندرش بجنبید و برداشت خود از سرش

ب) نگه کرد سهراب و آمدش ننگ برآشت و تیز اندر آمد به جنگ

پ) شگفت آمدش گفت از ایران سپاه چنین دختر آید به آوردگاه

۲۲۴ کلمات قافیه در کدام بیت آرایه "جناس تام" (همسان) دارد؟

الف) گلاب است گویی به جویش روان
همی شاد گردد به بویش روان
ب) کار پاکان را قیاس از خود مگیر
گرچه ماند در نبشتن شیر و شیر
ج) نباشی بس ایمن به بازوی خویش
خورد گاو نادان، ز پهلوی خویش

"مصراع دوم" بیت‌های زیر را کامل کنید.

۲۲۵ از این خطّه نغزِ پدرام پاک جان پرور تابناک

۲۲۶ شما را چو باور به یزدان بؤد هم او مر شما را

۲۲۷ الف) بیتی از شعر "دلیران و مردان ایران‌زمین" بنویسید که قافیه مصراع‌های آن "موج و فوج" باشد.
ب) یک بیت بعد از بیت "بداندیش را آتش خرمن‌اند خدنگی گران بر دل دشمن‌اند" را بنویسید.

۲۲۸ الف) یک بیت، بعد از بیت: "فلک در شگفتی ز عزم شماس" ملک آفرین‌گوی رزم شماس" را بنویسید.
ب) بیتی از شعر "دلیران و مردان ایران‌زمین" بنویسید که قافیه مصراع‌های آن "پاک و تابناک" باشد.

۲۲۹ آیا بیت زیر دارای استفهام انکاری است؟
- که گردان کدامند و جنگ‌آوران
دلیران و کارآزموده سران؟

۲۳۰ در ابیات زیر مجازها را پیدا کنید و بنویسید.

الف) که با دختری او به دشت نبرد بدین‌سان به ابر اندر آورد گرد

ب) ز آزار گردآفرید و هجیر پر از درد بودند برنا و پیر

پ) کنون لشکر و دژ به فرمان توست نباید بر این آشتی جنگ جست

ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

متن‌های زیر را به نثر روان معنی کنید.

۲۳۲ ز کس جز خداوندشان بیم نیست به فرهنگشان حرف تسلیم نیست

۲۳۳ نباشی بس ایمن به بازوی خویش "خورد گاو نادان ز پهلوی خویش"

۲۳۴ باتوجه به داستان جنگ گردآفرید و سهراب و بیت‌های زیر، "دلیل دردمندی و غمگین بودن ساکنان دژ" چیست؟

"در باره بگشاد گردآفرید تن خسته و بسته بر دژ کشید
در دژ بیستند و غمگین شدند پر از غم دل و دیده خونین شدند"

۲۳۵ معنی و مفهوم بیت زیر را بنویسید.

"که هم رزم جُستی، هم افسون و رنگ نیامد ز کار تو بر دوده ننگ"

۲۳۶ واژه "درویش" با کدام کلمه مشخص شده در بیت زیر هم معنی است؟
جولقی ای سر برهنه می‌گذشت با سر بی موچو پشت طاس و طشت

۲۳۷ نوع حرف "را" در جمله زیر را بنویسید.

"ده دینار تو را دهم اگر تو این صندوقچه من از اینجا برآوری."

۲۳۸ درباره کاربرد کلمه "را" در بیت داده‌شده توضیح دهید.

"هدیه‌ها می‌داد هر درویش را تا بیابد نطق مرغ خویش را"

۲۳۹ معانی واژه‌های "جولقی"، "عزم"، "بدسگال" و "کید" را از میان واژه‌های بیت‌های زیر بیابید و بنویسید.

- یارب دوام عمر دهش تا به قهر و لطف بدخواه را جزا دهد و نیکخواه را
- برو پاس درویش محتاج دار که شاه از رعیت بود تاج‌دار
- چند بشاید به صبر، دیده فرودوختن خرمن ما را نماند حيله به‌جز سوختن
- آن چشم مست بین که به شوخی و دلبری قصد هلاک مردم هشیار می‌کند

۲۴۰ معنی واژه‌های "تلطف" - دچارشدن - مسلم داشتن - سفاهت - زبون - تراویدن - جفا" را به ترتیب بنویسید.

۲۴۱ جای خالی را کامل کنید.

مؤثرترین شیوه‌ای که مولوی در "مثنوی معنوی" از آن بهره می‌گیرد، است و در اصطلاح ادبی، آن است که شاعر یا نویسنده برای تأیید و تأکید بر سخن خویش، حکایت، داستان یا نمونه و مثالی را بیان کند.

۲۴۲ در عبارت زیر واژه قافیه چه آرایه‌ای دارد؟

"از قیاسش خنده آمد خلق را کو چو خود پنداشت صاحب دلق را"

۲۴۳ آرایه‌های بیت "ریش برمی‌کند و می‌گفت: ای دریغ" کافتاب نعمتم شد زیر میغ" را مشخص نمایید.

عبارت‌های زیر را کامل کنید.

۲۴۴ "اخلاق محسنی" اثری است از ".....".

۲۴۵ داستان "طوطی و بقال" سروده در دفتر اول آمده است.

در هریک از ابیات زیر دو آرایه ادبی بیابید و توضیح دهید.

- ۲۴۶ هر دو گون آهو گیا خوردند و آب زین یکی سرگین شد و زان مشک ناب
- ۲۴۷ چون بسی ابلیس آدمروی هست پس به هر دستی نشاید داد دست
- ۲۴۸ آرایه شاخص موجود در هر بیت را به آن وصل کنید.

الف	ب
(۱) جولقی سر برهنه می‌گذشت / با سر بی‌مو چو پشت طاس و طشت	تضاد
(۲) گلاب است گویی به جویش روان / همی شاد گردد ز بویش روان	استعاره
(۳) هر دو نی خوردند از یک آبخور / این یکی خالی و آن پر از شکر	تشبیه
(۴) چون بسی ابلیس آدمروی هست / پس به هر دستی نشاید داد دست	جناس همسان کنایه

۲۴۹ باتوجه به بیت:

"کار پاکان را قیاس از خود مگیر گرچه مآند در نبشتن شیر و شیر
جمله عالم زین سبب گمراه شد کم کسی ز ابدال حق آگاه شد"

الف منظور از "ابدال" چه کسانی هستند؟

ب از نظر شاعر علت گمراهی "جمله عالم" چیست؟

۲۵۰ هر یک از ابیات زیر بیانگر چه مفهومی است؟

الف از قیاسش خنده آمد خلق را کو چو خود پنداشت صاحب‌دل را

ب هر دو گون زنبور خوردند از محل لیک شد زان نیش و زین دیگر عسل

مفهوم هر یک از عبارات زیر را بنویسید.

۲۵۱ می‌نمود آن مرغ را هرگون شگفت تا که باشد کاندر آید او به گفت

۲۵۲ در دکان بودی نگهبان دکان نکته گفتی باهمه سوداگران

۲۵۳ صد هزاران این چنین اشباه بین فرقاشان هفتادساله راه بین

۲۵۴ جمع مکسر واژگان "ضمیمه"، "معصیت"، "قبیله" و "جلجل" به ترتیب "....."، "....."، "....." و "....." است.

۲۵۵ معادل معنایی واژه "صاحب‌دل" را در بیت زیر مشخص کنید.

"ز سرّ غیب، کس آگاه نیست قصّه مخوان کدام محرم دل ره در این حرم دارد؟"

۲۵۶ کدام بخش از عبارت زیر، "حذف" شده است؟ نوع "حذف" را بنویسید.

چنین گویند مردی به بغداد آمد و بر درازگوش نشسته بود و بُری را رشته در گردن کرده، از پس وی می‌دوید.

"دیگر طاقت دیدنم نماند، چون برق به میان میدان جستم، نخست خروس مقلوب را با دشنه‌ای که در جیب داشتم از رنج و عذاب برهانیدم و هلالش کردم آنگاه به خروس سنگدل پرداختم و به سزای عمل ناجوانمردانه‌اش سرش از تن جدا کردم."

بیت "مخور طعمه جز خسروانی‌خورش است؟ و چه نقش دستوری دارد؟ که جان یابدت زان خورش، پرورش" آیا ضمیر "ت" در {جان یابدت} جهش ضمیر

معنی واژه‌های "ارتجالاً - تقریر - زنگاری - مخذول - استرحام - بدسگال - طمأنینه" را به ترتیب بنویسید.

در کدام عبارت زیر نویسنده برای طنزآمیز کردن نوشته از شیوه "نقیضه پردازی" استفاده کرده است؟
الف) "دی" که از دبستان به سرای می‌شدم، در گنج خلوتی از برزن، دو خروس را دیدم که بال و پرافراشته، در هم آمیخته و گرد برانگیخته‌اند..."
ب) زنی باخدا، نمازخوان مقدس با قربان و صدقه خسرو را هر روز می‌نشانند و وادار می‌کرد قرآن برایش بخواند.

باتوجه به بیت "زینهار از قرین بد زنهار / وقنا ربنا عذاب النار" به دو پرسش زیر پاسخ دهید.

نام آرایه ادبی برجسته این بیت چیست؟

در کدام یک از دو عبارت زیر این آرایه وجود دارد؟

یک) و به میرزا عباس عتاب کرد که "این تلاوت قرآن نیست. آوازخوانی است!"
دو) با صدای بلند می‌گفت: "الها! صد هزار مرتبه شکر" که "شکر نعمت، نعمت افزون کند"

یکی از شیوه‌های طنزنویسی یا تقلید از آثار ادبی است.

مفهوم هریک از کنایه‌های زیر را بنویسید.

بسمل کردن:

باب دندان بودن:

کنایه و مجاز و جناس را در بیت "دمی آب خوردن پس از بدسگال به از عمر هفتاد و هشتاد سال" بیابید و توضیح دهید.

در ابیات زیر کنایه‌ها را بیابید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

لاف از سخن چو در توان زد آن خشت بُود که پر توان زد

به خشم رفته ما را که می‌برد پیغام بیا که ما سپر انداختیم اگر جنگ است

هریک از ابیات زیر، با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟ (شماره بیت را داخل کمانک بنویسید)

الف) کیبوتری که دگر آشیان نخواهد دید قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام ()

ب) اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب گر ذوق نیست تو را کژطبع جانوری ()

۱) چه وجود نقش دیوار و چه آدمی که با او سخنی ز عشق گویند و در او اثر نباشد

۲) هر آن که گردش گیتی به کین او برخاست به غیر مصلحتش رهبری کند ایام

اشعار و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

- ۲۷۰ مخور طعمه جز خسروانی خورش که جان یابدت زان خورش پرورش
- ۲۷۱ دی که از دبستان به سرای می‌شدم در کنج خلوتی از برزن دو خروس را دیدم.
- ۲۷۲ عبارت "حرام از یک کف دست کاغذ و یک بندانگشت مداد که خسرو به مدرسه بیاورد." منظور چیست؟

معنی و مفهوم را به نثر روان بنویسید.

- ۲۷۳ فی‌الجمله نمائد از معاصی، منکری که نکرد و مسکری که نخورد.
- ۲۷۴ گفت: من این را از روی طبیعت کشیده‌ام.
- ۲۷۵ با زهرخندی گفت: من گوش استماع ندارم، لمن تقول؟
- ۲۷۶ حسودان تنگ‌نظر و عنودان بدگهر وی را به می و معشوق و لهو لعب کشیدند.
- ۲۷۷ در شهناز شوری به پا کرده بود.
- ۲۷۸ حرام از یک کف دست کاغذ و یک بند انگشت مداد که خسرو به مدرسه بیاورد.
- ۲۷۹ دمی آب خوردن پس از بدسگال به از عمر هفتاد و هشتاد سال

نوع ترکیب (وصفی - اضافی) را مشخص کنید.

- ۲۸۰ گهر تابناک
- ۲۸۱ مجلس عارفان

در عبارت‌های زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید:

- ۲۸۲ دریا متنی نیلگون است.
- ۲۸۳ ناتانائیل خدا را در تملک داری.
- ۲۸۴ معنی لغات مشخص شده را باتوجه به متن بنویسید.
- "صفحه سفیدی را باز می‌کرد و ارتجالاً انشایی می‌ساخت - از این ملاقات چند روزی نگذشت که خسرو در گوشه‌ای زیر پلاسی مندرس بی‌سروصدا جان سپرد - پس یکی بر عقب او روان شد چنان‌که موضع خالی یافت جلاجل از گردن بز باز کرد و بر دنبال خر بست - جز تو کسی نمانده است که در زندگی ما نخل و عنب و تاکستان بکارد.
- ۲۸۵ باتوجه به عبارت زیر به سؤالات پاسخ دهید:
- "سرورم! ای سرور آزادگان! / در زمانه سقوط و ویرانی / جز تو، کسی نمانده است / که در زندگی ما نخل و عنب و تاکستان بکارد / جز تو کسی نمانده است؛ / مگر تو"

الف کلمات مشخص شده به ترتیب چه نقش دستوری دارند؟

ب ارتباط معنایی "عنب و تاکستان" از چه نوعی است؟

پ یک واژه مترادف برای "سرور" و یک واژه متضاد برای "ویرانی" بنویسید.

ت یک ضمیر پیوسته پیدا کنید و بگویید هسته گروه است یا وابسته؟

۲۸۶ در متن زیر چند "صفت" و چند "مضاف‌الیه" یافت می‌شود؟

"تیمور پس از آنکه شهر توس را گشود، فرمان داد که از کشتار مردم آن دست بردارند، زیرا فردوسی؛ شاعر ایرانی، روزگار خود را در آن به سر برده بود."

۲۸۷ باتوجه به سروده: "ای سرور باران‌ها و فصل‌ها / تو را عطری نامیدم که در غنچه‌ها خانه دارد" شاعر، "باران‌ها" و "فصل‌ها" را در کدام مفاهیم نمادین به کار برده است؟

۲۸۸ در بیت زیر چه آرایه‌ای به کار رفته است؟

"ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
تا تو نانی به کف آری و به‌غفلت نخوری"

۲۸۹ کنایه را بیابید:

"تا آنجا که ممکن است بار بشر را به دوش گرفتن"

۲۹۰ در شعر زیر، تشبیهی به کار رفته است؛ "مشبه" و "مشبه‌به" آن را مشخص کنید.

"تو را جنوب نامیدم، ای چون ستاره فروزان."

جاهای خالی را با کلمات مناسب پر نمایید.

۲۹۱ از آثار آندره ژید، کتاب است.

۲۹۲ جوامع الحکایات و لوامع الروایات اثری است از

۲۹۳ آرایه‌های ادبی کدام شعرها در مقابل آن‌ها درست آمده است؟

الف) ای روزهای عاشورا (تلمیح)

ب) که در زندگی ما نخل و عنب و تاکستان بکارد (مراعات نظیر)

ج) ای ماهی دریا که مقاومت پیشه کرده‌ای (جناس)

د) تو را پاک و پاکیزه و ارجمند و توانا نامیدم (تضاد)

۲۹۴ در شعر "ای کشتی‌های صیّادی که مقاومت پیشه کرده‌اید" کدام آرایه ادبی یافت می‌شود؟

۲۹۵ در سروده "دریا متنی نیلگون است / که علی آن را می‌نویسد / و مریم هر شب، روی شن‌ها / به انتظار مهدی می‌نشیند / و گل‌هایی را می‌چیند / که از انگشتان شهیدان می‌رویند" مفهوم کلی قسمت مشخص شده را بنویسید.

۲۹۶ "قبنای" در این بخش از شعرش بر چه نکته‌ای تأکید دارد؟

"ای که ردای حسین بر دوش داری و خورشید کربلا را در بر داری"

۲۹۷ در عبارت زیر، که بخشی از داستان فرار شاعر است، منظور از قسمت‌های مشخص شده چه کسانی هستند؟

"در برابر زائر نامدار که زانو بر زمین زده و سر فرود آورده بود، سنگ بزرگی را بر گور فاتح چین نهاده بودند، برداشتند. گور ستمگر غرق در خون بود."

"تو را جنوب نامیدم / ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برین / پیوند خورده‌ای"

در شعر زیر "گواهی تولد" چه مفهوم و پیامی دارد؟

"تویی که گواهی تولد / و گل آزادی‌مان، هدیه دادی"

معنی و مفهوم را به نثر روان بنویسید.

تیمور پس از آنکه شهر توس را گشود، فرمان داد که از کشتار مردم آن دست بردارند؛ زیرا فردوسی، شاعر ایرانی، روزگار خود را در آن به سر برده بود.

ای سرزمینی کز خاکت خوشه‌های گندم می‌روید و پیامبران برمی‌خیزند.

ای کشتی‌های صیّادی که مقاومت پیشه کرده‌اید.

نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

نگرش تو باید هر لحظه نو شود.

الهی فضل خود را یار ما کن

در کدام بیت "منادا" محذوف است؟

الف) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن
تأثیر اختران شما نیز بگذرد
ب) دل اگر خدانشناسی همه در رخ علی بین
به علی شناختم من به خدا قسم خدا را

زمان فعل‌های مشخص شده عبارت زیر را بنویسید.

"هرگز هیچ زیبایی لطیفی را در این جهان ندیده‌ام که بی‌درنگ نخواست باشم تمامی مهرم را نثارش کنم."

موارد خواسته شده را بنویسید.

الف) عاطفه ← تناسب:

ب) مرحمت ← مترادف:

معنی درست را برای واژه مشخص شده انتخاب کنید.

بی‌درنگ به کندن کرت پرداخت.

الف) قطعه‌ای از یک باغچه
ب) چاهی که از آن آب بیرون می‌آید.

مردان اندیشه‌ور به دربار تزار رفتند.

الف) پادشاهان روم در گذشته
ب) پادشاهان روسیه در گذشته

نام نویسندگان آثار زیر را بنویسید:

مائده‌های زمینی و مائده‌های تازه:

سه پرسش:

۳۱۱

در عبارت زیر یک جمله به "شیوه بلاغی" و یک جمله به "شیوه عادی" پیدا کنید.
 "ناتانائیل، من به تو شور و شوقی خواهم آموخت. اعمال ما وابسته به ما است. ای زیبای عاشقانه زمین، شکوفایی گسترده تو دل انگیز است."

۳۱۲

هریک از آرایه‌ها را به عبارت مربوط وصل کنید.

مجاز	الف) اعمال ما وابسته به ماست؛ همچنان که روشنایی به فسفر.
تشبیه	ب) راست است که اعمال ما، ما را می‌سوزاند اما برایمان شکوه و درخشش به ارمغان می‌آورد.
جناس	ج) به چشم من، هر شناختی که مبتنی بر احساس نباشد، بیهوده است.
کنایه	

۳۱۳

عبارت زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.
 "آسمان را دیده‌ام که در انتظار سپیده‌دم می‌لرزید. ستاره‌ها یک‌یک رنگ می‌باختند. چمنزارها غرق در شب‌نم بودند."

۳۱۴

جمله: "ای کاش عظمت در نگاه تو باشد" را با سروده زیر از سهراب سپهری مقایسه کنید.
 "چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید."

۳۱۵

مفهوم مشترک عبارت و بیت زیر را بنویسید.
 الف) اگر جان ما ارزشی داشته باشد، برای این است که سخت‌تر از برخی جان‌های دیگر سوخته است.
 ب) بسوز ای دل که تا خامی نیاید بوی دل از تو کجا دیدی که بی‌آتش کسی را بوی عود آمد

۳۱۶

عبارت "ای کاش عظمت، در نگاه تو باشد، نه در آن چیزی که بدان نگاه می‌کنی" به چه نکته‌ای تأکید دارد؟

معنی قسمت‌های مشخص‌شده را در متن‌های زیر مشخص نمایید.

۳۱۷

پس در سرتاسر قلمرو خود چاووش درداد.

۳۱۸

راهب در جلو کلبه‌اش باغچه می‌بست.

۳۱۹

فقط باید با جادو گران رای زد.

۳۲۰

آیه شریفه {لا تدرکه الأبصار و هو یدرک الأبصار} با کدام یک از دو عبارت زیر تناسب مفهومی دارد؟ مفهوم مشترک آن‌ها را بنویسید.
 الف) به همه چیز نگاه کن و به هیچ‌جا درنگ مکن. به خود بگو تنها خداست که گذرا نیست.
 ب) هر آفریده‌ای نشانه خداوند است اما هیچ آفریده‌ای نشان‌دهنده او نیست.

معنی و مفهوم را به نثر روان بنویسید.

۳۲۱

همین‌که آفریده‌ای نگاهمان را به خویش معطوف کند، ما را از راه آفریدگار بازمی‌گرداند.

۳۲۲

اگر جان ما ارزشی داشته باشد، برای این است که سخت‌تر از برخی جان‌های دیگر سوخته است.

۳۲۳

سرتاسر قلمرو خود چاووش درداد.

۳۲۴ الهی، حجابها را از راه ما بردار و ما را به ما مگذار.

۳۲۵ تمایزی میان خدا و خوشبختی قائل مشو و همه خوشبختی خود را در همین قرار بده.



پاسخنامه

۱ درفشان

۲ درفشان

پاسخ سؤالات ۳ تا ۸

۳ در آن کار مهارت داشت.

۴ ستاره‌ها تک‌تک خاموش می‌شدند.

۵ انسان‌های بزرگ با هر اتفاق حق و باطلی متغیّر و عصبانی نمی‌شوند.

۶ این نعمت من (طوطی من) مثل خورشیدی بود / که پشت ابر پنهان شد. (طوطی را از دست دادم)

۷ چون دشمن او / در فنون جنگاوری ماهر بود.

۸ در برابر نیروی الهی آنان، هیچ قدرتی توان / مقاومت ندارد.

۹ دشمن طاووس آمد پَر او / از ماست که بر ماست / خودکرده را تدبیر نیست / طوطی ز زبان خویش در بند افتاد / یا ...

۱۰ گزینه ب) ← نهاد، متمم، مسند، مضاف‌الیه

۱۱ الف) ← ۴

ب) ← ۳

پ) ← ۲

ت) ← ۱

۱۲ گلستان - بوستان - کلیله و دمنه - مثنوی - قابوسنامه (ذکر یک مورد)

۱۳ ۱- حیرت و خاموشی و شیرین‌سخنی چشمه = تشخیص

۲- شیرین‌سخنی = حس‌آمیزی

۱۴

الف) شیرین سخنی = حس آمیزی

ب) کر کردن فلک = اغراق

پ) حسن تعلیل

ت) مراعات نظیر

ث) جناس

۱۵

الف

مجاز: کف مجاز از مقدار کم، به اندازه یک کف دست از چیزی است. / تلمیح: به آفرینش انسان از خاک اشاره شده است.

ب

جناس: یار و کار / کنایه: نظر در کار کسی کردن کنایه از عنایت کردن و توجه است.

۱۶

یک سگ استخوانی را کنار یک جوی پیدا کرد. وقتی استخوان را در دهانش گذاشت، بازتاب آن را در آب دید. فکر کرد که یک استخوان دیگر هم هست. از حرص، دهانش را باز کرد تا استخوان بازتاب شده را از روی آب بگیرد. اما استخوانی که در دهانش بود را از دست داد.

۱۷

الف) تو نیکی می کن و در دجله انداز:

۱. هرگز انتظار بازگشت نیکوکاری های خود را نداشته باش.

۲. کار خیر باید برای خود کار خیر باشد، نه برای نگاه دیگران.

۳. به یاد داشته باش که همیشه به دنبال پاداش نباش، گاهی کافی است فقط کار خوب انجام دهی.

۴. عمل نیکو باید برای رضایت فردی و خداوند باشد، نه انتظار پاداش.

ب) از تو حرکت از خدا برکت:

۱. تلاش و پیگیری مسئولیت هر شخص است، اما موفقیت و پاداش از سوی خداست.

۲. همچنان که تلاش مستلزم عمل است، برکت وجود آن به لطف الهی است.

۳. شروع هر کار با تلاش فرد است، اما پایان آن به رحمت الهی بستگی دارد.

۴. تلاش شخص در دست خود است، اما موفقیت و پاداش در دست خداست.

پاسخ سؤالات ۱۸ تا ۲۰

۱۸

روشنایی و نور چهرهات را بر زمین می اندازی و شگفتی های بسیاری را روی زمین آشکار می کنی.

۱۹

این دریا دقیقاً مانند زمین لرزه، بدنش را روی ساحل رها کرده و لم داده است.

۲۰

صیاد او را برداشت و چون تصوّر شد که مرده است، بینداخت.

۲۱

تواضع موجب ارزشمندی است.

۲۲

ب

۲۳

دو لشکر نظاره بر این جنگ ما [هستند]. حذف فعل به قرینه معنایی



پاسخ سؤالات ۲۵ تا ۲۶

۲۵

امر ناممکن - سرشت و طبع

۲۶

حریص و دارای ولع

۲۷

الف) آب ← مجاز جزء از کل رود
 ب) بتخانه ← مجاز از سرزمین - شمشیر ← مجاز از جنگ

پاسخ سؤالات ۲۸ تا ۲۹

۲۸

عطار

۲۹

سعدی

۳۰

۱) مثل، سخن را کوتاه و پر معنا می‌کند. ۲) تأثیر سخن را بر مخاطب بیشتر می‌کند.

۳۱

کنایه از انصاف داشتن

۳۲

دیوار نماد جدایی و مانع جامعه بشری / بٹا نماد عامل و به وجود آورنده جدایی

۳۳

ناپایداری امور - ناپایداری روزگار

۳۴

ناپایداری امور - ناپایداری روزگار

۳۵

مورد "ب"

۳۶

نکوهش برون‌گرایی (هر مفهوم مشابه آن)

۳۷

نکوهش ریاکاری

۳۸

اگر از بیگانه احساس ناامنی کردی خیلی سریع به‌اندازه‌ای که برای تو خطر دارد برای خود امنیت ایجاد کن تا از خطر احتمالی رها شوی.

۳۹

الف) دوربین

ب

پول

۴۰ شعر شاعر ایران - شعر کتاب ما

۴۱ "غبطه، راهگذار، غلم، محراب"

۴۲ غنا: سرود

۴۳ الف مکیده است: ماضی نقلی / ندیده بودم: ماضی بعید / بود: ماضی ساده (عزیز بود)

ب دوست می‌دارم: مضارع اخباری / قیام کرده‌اند: ماضی نقلی

۴۴ حسن تعلیل

۴۵ حسن تعلیل

۴۶ الف حسن تعلیل (در علت بی حاصلی بید مجنون)

(ب) تلمیح (كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ)

(پ) کنایه (سرخ گون کردن کنایه از اعتبار و آبرو بخشیدن)

(ت) تیر جور (اضافه تشبیهی)

۴۷ شعر سپید، گونه‌ای از شعر معاصر است که آهنگ دارد اما وزن عروضی ندارد و جای قافیه در آن مشخص نیست

۴۸ حُسن تعلیل: شاعر دلیل آویزان بودن شاخه‌های بید را شرمندگی از بی‌ثمری دانسته است.

۴۹ تشخیص: کلاه داشتن عقل آرایه تشخیص دارد. / کنایه: کلاه از سر کودک عقل می‌افتد کنایه از شگفت‌زدگی عقل در برابر بزرگی امام حسین (ع)

۵۰ تلمیح به مهریه قرار دادن چهار نهر فرات، نیل، دجله و بلخ برای حضرت زهرا (س)

۵۱ بزرگی و عظمت گودال به خاطر خون توست که در آن قرار گرفته است (ارزش هر جایگاهی به خاطر ارزش کسی است که در آن قرار گرفته است)

۵۲ تحیر و ناتوانی عقل از درک عظمت امام حسین (ع)

۵۳ الف سرخی شفق (سرخ آسمان هنگام غروب) نمایانگر شرف و آبروی تو است. / و سرخی صبح یادآور شهادت تو هنگام صبح در محراب است.

ب اراده‌ راسخ تو تضمین‌کننده دوام و پایداری جهان شد؛ زیرا جهان با دروغ پایدار نمی‌ماند؛ و شهادت تو تأییدکننده راستی و حقیقت است.

۵۴

وین بوم محنت
این: وابسته پیشین
بوم: هسته
محنت: وابسته پسین

۵۵

به جهان در

۵۶

الف) هلیم
ب) اجل

۵۷

در بیت "الف" شد فعل اسنادی (ربطی) است و در بیت "ب" غیراسنادی و در معنی "رفتن" به کار رفته است.

۵۸

فراق - فَرَاغ

پاسخ سؤالات ۵۹ تا ۶۰

۵۹

سربلند، صاحب افتخار

۶۰

جای پست در زمین یا پایین کوه

۶۱

کتف و سینه: واو عطف / واو دوم: واو ربط

۶۲

ترکیب وصفی: طالع مسعود
ترکیب اضافی: طالع خویشتن - تأثیر اختران - اختران شما

۶۳

بیت "ب": طالع مسعود خویشتن: هسته: طالع (اسم) + وابسته: مسعود (صفت) + وابسته: خویشتن (مضاف‌الیه)

پاسخ سؤالات ۶۴ تا ۶۵

۶۴

نگهبان بود

۶۵

شه ملک لافتی را

۶۶

زلزله.

۶۷

الف) شیران استعاره دلیران و افراد شجاع / سگان استعاره از افراد پست و فرومایه
ب) کودک عقل اضافه تشبیهی است.
پ) تشخیص در تنها بودن شجاعت
ت) در خانه کسی را زدن کنایه از متوسل شدن به اوست.

۶۸ دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین

۶۹ کوتاه نظری باشد رفتن به گلستانها

۷۰ "کاروان سرا" استعاره از دنیا / "کاروان" استعاره از حاکمان و وابستگان آنها

۷۱ رمه: مردم عادی / چوپان گرگ طبع: عاملان حکومت ظالم

۷۲ شیران: استعاره از پهلوانان شجاع - سگان: استعاره از افراد پست و بی ارزش

۷۳ اندوه و غم همانند جغد - که نماد شومی و نامبارکی است - سرانجام به دولت سرا و آشیانه خوشبختی شما که تبدیل به ویرانه ای خواهد شد، گذر خواهد کرد و بر آن آواز خواهد خواند.

۷۴ ما در برابر ستم و بیداد شما - که بسیار آزاردهنده است - تحمل و شکیبایی پیشه می کنیم زیرا یقین داریم که دوران سخت و پر از بیداد شما نیز سپری خواهد شد.

۷۵ اجل و مرگ که انسان های زیادی را نابود ساخته است، حیات و دوران رونق حکومت شما را نیز نابود خواهد کرد.

۷۶ ب) یا لاله

۷۷ یادگار

۷۸ مضاف الیه

۷۹ زیست

۸۰ لاله

۸۱ ضمیر ← جهش ضمیر هم دارد. ← به او گفتم

پاسخ سؤالات ۸۴ تا ۸۵

۸۴ متمم

۸۵ مفعول (مرا پریشان می کند)

۸۶ الف) حدیث: روایت

ب) دخیل: دسته

۸۷ اسرارالتوحید - سهراب سپهری

۸۸ ایهام "مهر و وفا": ۱- محبت و وفاداری ۲- نام دو عاشق و معشوق / مراعات نظیر بین "سر و دل و جان" / مجاز: زر مجاز از ثروت است. / تناسب بین "سر و دل و جان"

۸۹ الف) حسن تعلیل دارد. دلیل آویزان بودن شاخ و برگ درخت بید را سرافکنندگی بید به خاطر بی حاصلی دانسته است.
ب) باد: استعاره از مرگ / شمع: استعاره از انسان / چراغدان: استعاره از عمر (ذکر یک مورد کافی است)
ج) جانب کسی را داشتن: کنایه از حمایت کردن
د) تشبیه صداقت به لبخند

۹۰ الف) مهر: ۱) مهر و محبت ۲) خورشید

۹۱ الف) ایهام: راست: ۱- دقیقاً، عیناً ۲- صاف و معتدل

ب) ایهام تناسب: شیرین ۱- ارزشمند (معنای موردقبول) ۲- بانوی ارمنی، معشوق فرهاد (با فرهاد تناسب دارد)

۹۲ الف) ایهام تناسب: ۱- همیشه و پیوسته (معنای موردنظر) ۲- شراب (با می و جام و خمار تناسب دارد)
ب) ایهام: ۱- شراب ۲- پیوسته و همیشه (هر دو معنای شراب و پیوسته موردقبول است)

۹۳ الف)

۹۴ وقتی به او گفتم که دلم را در عشق خود نگاه دار، گفت از بنده کاری صورت نمی پذیرد باید که خدا انسان را عاشق نگاه دارد.

۹۵ هرکسی شایستگی دانستن راز الهی را ندارد. (یا هر پاسخ مشابه دیگر)

پاسخ سؤال ۹۶

۹۶ اگرچه نیازمند هستیم، در نزد بخشنندگان نیازی به عرض حاجت نیست (بخشنندگان بدون درخواست می‌بخشند).

۹۷ بیت "الف" - مفهوم مشترک: توکل و اعتماد به خداوند موجب گشایش در کارها است.

۹۸ روزگار.

۹۹ سودایی

۱۰۰ این (وابسته پیشین، صفت اشاره) / عجیب‌ترین (وابسته پیشین، صفت تعجبی) / قصه (هسته)، ها (وابسته پسین (نشانه جمع))

پاسخ سؤال ۱۰۱

۱۰۱ پستی و خواری

۱۰۲ الف) حذف به قرینه معنایی

ب) حذف به قرینه لفظی

۱۰۳ دوری: فرقت - عداوت: دشمنی

۱۰۴ "مستمند - پروردگار - کاروان - سازگار - رایگان - پاسبان - رستگار"

۱۰۵ تا از جسم و جان بی‌خبر نگردي کی یک‌زمان ز جانان خبر یابی

۱۰۶ تا عهد تو در بستم

۱۰۷ ۱ = مجاز ۲ = حسن تعلیل ۳ = اغراق ۴ = سجع

پاسخ سؤالات ۱۰۸ تا ۱۱۰

۱۰۸ بی‌خویشتم کردی بوی گل و ریحان‌ها

۱۰۹ با یاد تو افتادم از یاد برفت آن‌ها

۱۱۰ می‌گویم و بعد از من گویند به دوران‌ها

۱۱۱ واژه "سهل" ایهام دارد. ۱- به معنی آسان ۲- به معنی زمین نرم و هموار

۱۱۲ الف) از کوزه همان برون تراود که در اوست ظاهر بیانگر باطن است (یا پاسخ‌های درست دیگر)

۱۱۳ الف) ۳ ب) ۱ ج) ۲

زیرا همان‌طور که آب آلودگی‌های جسم را از بین می‌برد و باعث شادی انسان می‌شود ← قرآن نیز آلودگی‌های دل و روح را از بین می‌برد و باعث طراوت دل‌ها می‌گردد.

پاسخ سؤالات ۱۱۵ تا ۱۱۷

۱۱۵

مراقب باش تا در این جعبه را باز نکنی.

۱۱۶

سه ماه بود که اصلاح نکرده بودیم.

۱۱۷

در آغاز زندان و چاه بود و سرانجام تخت و پادشاهی.

۱۱۸

"هیچ‌گاه فریب، فریبکاران با خواست خداوندی که داندۀ نهان است، نمی‌تواند برابری کند."

۱۱۹

(ج) خواجه وش

۱۲۰

ب

۱۲۱

(پ) ریش برمی‌کند و می‌گفت: "ای دریغ کافتاب نعمتم شد زیر میغ"

۱۲۲

نهاد - قید - مفعول - متمم

۱۲۳

پلاس‌پاره - قرابت و نزدیکیان

پاسخ سؤالات ۱۲۴ تا ۱۲۷

۱۲۴

وارد شدیم

۱۲۵

برگشتیم

۱۲۶

شرح داد

۱۲۷

سوار شو

۱۲۸

(۱) کوتاهی جمله‌ها (۲) فراوانی فعل (نظر همکاران)

۱۲۹

مشبه: وصل - مشبه‌به: کعبه - وجه شبه: دور افتادن - ادات: محذوف

۱۳۰

کاربرد معنایی پسوند "ک" در واژه "روزک" با کاربرد آن در گزینه "ب" یکسان است.

۱۳۱) خدای که پاک و بلندمرتبه است، همه بندگان خود را از سختی بدهی برهاند.

۱۳۲) شاید که ما را لحظاتی بیشتر در حمام پذیرا شود تا چرک از بدن خود پاک کنیم.

۱۳۳) و کرایه‌دهنده اسب و شتر از ما سی دینار مغربی می‌خواست و ما هیچ چاره‌ای نمی‌دانستیم.

۱۳۴) ما را همراه با نعمت دادن و احترام از راه دریا فرستادند طوری که با احترام و آسودگی به پارس رسیدیم.

۱۳۵) اسلیمی

۱۳۶) میان‌وند

۱۳۷) الف) گرده - کله - غارب - آخره

۱۳۸) در گزینه "الف" هر دو نوع واو (عطف - ربط) دیده می‌شود.

۱۳۹) گوشه

۱۴۰) الف) واو ربط

ب) واو عطف

۱۴۱) الف) فراموشی ← نسیان

ب) میان دو کتف ← غارب

پ) بی‌ریا و صمیمی ← بی‌تکلف

ت) آخره ← چنبره گردن

۱۴۲) ب) سهراب سپهری

۱۴۳) دو: اتاق آبی

۱۴۴ به‌طور اتفاقی در میان عده‌ای قرار گرفته بودیم.

۱۴۵ خو گرفت

۱۴۶ سخت‌گیری کردند، مقاومت بیشتری نشان داد.

۱۴۷ فهمیدم

۱۴۸ (ب)

۱۴۹ جلال آل احمد

۱۵۰ ناصر خسرو

۱۵۱ سعدی

۱۵۲ نیما یوشیج

۱۵۳ سهراب سپهری

۱۵۴ گله‌مندی از زمانه و جامعه‌ای که قدر فرهیختگان خود را نمی‌داند. منظور از مروارید، نیما یوشیج است که در زمانه‌ای نامساعد زندگی می‌کرد.

۱۵۵ حرفه‌اش نگارگری و کشیدن نقشه‌ی قالی بود و در آن مهارت داشت.

۱۵۶ هرچه او را محدود کردند و بر او سخت گرفتند، او خودش را آماده‌ی مبارزه با این مشکلات می‌کرد.

۱۵۷ در طرح‌هایی که رنگ و گونه‌ی عرفانی و معنوی دارند آدم با ساحت مادی‌اش در آن بیگانه است.

۱۵۸ الف نیما یوشیج

ب برپا کرده بود

پ علی اسفندیاری

ت جلال آل احمد

۱۵۹ الف: هسته (اسم) تقدیر - وابسته (صفت): تاریخی - وابسته (مضاف‌الیه): زمین
ب) وابسته (صفت): آن - هسته (اسم): آستین - وابسته (صفت): خالی

۱۶۰ الف مصراع اول

ب برایم قابل درک است.

۱۶۱ معنای خاکریز هم آن‌گاه تفهیم می‌شود ← (جمله هسته [پایه]) - در میان یک دشت باز گرفتار آتش دشمن باشی. ← (جمله وابسته [پیرو])

پاسخ سؤالات ۱۶۲ تا ۱۶۳

۱۶۲ واو ربط

۱۶۳ واو عطف

۱۶۴ گاه‌به‌گاه گروهی از خط‌شکن‌ها را می‌بینی. (هسته) / که فاتحانه و بی غرور، بعد از شبی پرحادثه بازمی‌گردند. (وابسته)

۱۶۵ استعاره - تشبیه

پاسخ سؤالات ۱۶۶ تا ۱۶۷

۱۶۶ محمد بن منور

۱۶۷ شهید مرتضی آوینی

۱۶۸ گزینه "الف"

۱۶۹ جاودانگی روح (یا زنده بودن شهدا یا هر پاسخ صحیح)

پاسخ سؤال ۱۷۰

۱۷۰ تاریخ اراده و خواست خداوند است که از طریق انسان‌ها به انجام می‌رسد.

۱۷۱ الف) خریدار و فروشنده

ب) شوخی کردن

۱۷۲ از نظر مؤمنان، مرگ پایان زندگی نیست بلکه روح آدمی بعد از مرگ جسمانی به اصل خود؛ یعنی قرب پروردگار می‌شتابد و در جوار رحمت او جاودانه خواهد ماند.

۱۷۳ زیرا معتقد است که جان‌فشانی و فداکاری رزمندگان میهن در برابر هجوم دشمنِ بعثی یادآور دلاوری‌ها و از خودگذشتگی‌های یاران پیامبر (ص) در صدر اسلام و امام حسین (ع) و یارانش در واقعه کربلا است.

۱۷۴ سهراب برآشفست و چون پلنگ شد / چون بدخواه او به جنگ چاره‌گر بود

۱۷۵ دگر ره آن چنان هنر آشکار شد - که از آن دیده روزگار خیره شد

۱۷۶ "وقب - مقریان - تقریظ - وقاحت"

پاسخ سؤالات ۱۷۷ تا ۱۷۹

۱۷۷ مطلبی ستایش‌آمیز در مورد کتاب

۱۷۸ اسب سرکش

۱۷۹ جلوه‌گری

۱۸۰ تن (مفعول) / "م" در "تیرم" مفعول / خصم (منادا) / سر (مفعول)

۱۸۱ شیوه عادی جملات در زبان فارسی "نهاد + سایر اجزای جمله + فعل" است اما در زبان فارسی گاه این اسلوب به هم می‌ریزد و دلیل آن تأکید بر یکی از اجزای جمله است که به آن شیوه بلاغی می‌گویند.

الف) بلاغی است ← من مفعول جمله است و بر نهاد (این رنج) مقدم شده است.

ب) به تو سلام کنم: متمم ← شیوه بلاغی

ج) بلاغی ← دامن من (نهاد) اما مفعول و فعل مقدم شده‌اند: دامن من گل صبر را می‌پرورد.

ه) این عبارت مطابق شیوه عادی زبان بیان شده است.

د) مرگ، از زمین و آسمان بر شهر می‌بارید. ← بلاغی

۱۸۲ به ترتیب: قهرمانی - خرق عادت

۱۸۳ بلاغی - ارکان جمله تغییر کرده است.

۱۸۴ خاک مجاز از سرزمین

پاسخ سؤالات ۱۸۵ تا ۱۸۷

۱۸۵ جان کندن: کنایه ← مُردن

۱۸۶ افسرده گردیدن: کنایه ← نابودشدن و از بین رفتن

۱۸۷ خمیرمایه آدمی: کنایه ← اصل و اساس

۱۸۸ کجا می‌توانی، ز قلم زبایی تو عشق میان من و میهن من؟

۱۸۹ جاودانگی روح (یا زنده بودن شهدا یا هر پاسخ صحیح)

۱۹۰ عشق به وطن، وطن‌دوستی، دلبستگی به وطن ...

۱۹۱ از دست دادن جان و زندگی و درواقع "شهادت"

۱۹۲ الف) ← صبر

ب) ← کشته‌شدن در راه وطن

ج) ← میهن‌پرستی

د) ← این مورد اضافی است.

و) ← پایداری و مقاومت

۱۹۳ هم آوا = شصت

پاسخ سؤالات ۱۹۴ تا ۱۹۵

۱۹۴ درست

۱۹۵ درست

۱۹۶ خود

پاسخ سؤال ۱۹۷

۱۹۷ زجر.

۱۹۸ سلیح، مزیح.

۱۹۹ نوع "را" فک اضافه

۲۰۰ یک متمم با دو حرف اضافه

۲۰۱ ذوالنون: نهاد پادشاهی: متمم (زیرا "را" در معنی "به" آمده است)

۲۰۲ (۱) تیغ (۲) کمند

پاسخ سؤال ۲۰۳

۲۰۳ اسب، باره

۲۰۴ الف) نماند ایچ با روی خورشید رنگ به جوش آمده خاک بر کوه و سنگ (خرق عادت)
ب) ز فتراک بگشود پیچان کمند بینداخت و آمد میانش به بند (قهرمانی)

۲۰۵ گلاب است گویی به جویش روان همی شاد گردد به بویش روان

۲۰۶ ۱ = مجاز

۲ = حسن تعلیل

۳ = اغراق

۴ = سجع

پاسخ سؤالات ۲۰۷ تا ۲۰۸

۲۰۷ متوقف کردن اسب

۲۰۸ شکست دادن و کشتن

۲۰۹ "کیخسرو - افراسیاب - توران"

۲۱۰ الف) استعاره: ← به رستم برانگه ببارید تیر
ب) کنایه: ← به لشکر چنین گفت کاموس گرد
پ) مجاز: ← خروش سواران و اسپان ز دشت
تهمت بدو گفت بر خیره خیر
که گر آسمان را ببايد سپرد
ز بهرام و کیوان همی برگذشت

۲۱۱ الف) رازداری = ۵

ب) ناتوانی اندیشه = ۱

ج) توقف کردن = ۴

د) تقدیرگرایی = ۲

پاسخ سؤال ۲۱۲

۲۱۲ خرق عادت

۲۱۳

الف) حمایت از جنگجو: ← برآویخت رهام با اشکبوس

ب) نظم لشکر: ← تو قلب سپه را به آیین بدار

پ) تهدید: ← تهمتن چنین داد پاسخ که نام چه پرسى كزین پس نبینی تو كام

۲۱۴

بیت اول: اشکبوس گرز سنگینش را به دست گرفت و زمین برای تحمل این سنگینی مثل آهن سخت و آسمان از گرد و غبار زیاد مانند چوب آبنوس، تیره و تار شد.

بیت دوم: رهام، گرز سنگینش را برای نبرد بالا آورد و از این نبرد دست هر دو پهلوان خسته و ناتوان شد.

۲۱۵

شمشیر و دست آن‌ها از خون، سرخ شده بود و خاک زیر پای نعل اسبان، پرخروش و نالان شده بود.

۲۱۶

الف

ترسیده بود. (از شدت ترس رُخش زرد شده بود)

ب

قردانی و تشکر

۲۱۷

"تاوان - وقاحت - خطّه - نظاره - جاه - غنیمت دانستند"

پاسخ سؤالات ۲۱۸ تا ۲۲۱

۲۱۸

تناسب

۲۱۹

تضاد

۲۲۰

تضمن

۲۲۱

ترادف

۲۲۲

"مانند - زره جنگی - اسب تیزرو - صدا - غرّنده - سرنیزه"

۲۲۳

الف

مضاف‌الیه تنگ

ب

متمم (ننگش آمد)

پ

نهاد (او با شگفتی گفت)

۲۲۴

الف) گلاب است گویی به جویش روان

همی شاد گردد به بویش روان

پاسخ سؤالات ۲۲۵ تا ۲۲۶

۲۲۵

و زین خاک

نگهبان بود ۲۲۶

۲۲۷ الف) خروشان و جوشان به کردار موج فراز آمدند از کران فوج فوج
ب) ز کس جز خداوندشان بیم نیست به فرهنگشان حرف تسلیم نیست

۲۲۸ الف) شما را چو باور به یزدان بود هم او مر شما را نگهبان بود
ب) از این خطّه نغز پدرام پاک و زین خاک جان پرور تابناک

۲۲۹ استفهام انکاری سؤال کردنی است که جواب آن همراه با انکار و تکذیب باشد و در این بیت انکار و تکذیبی صورت نگرفته است.
"چه کسانی پهلوانان، جنگاوران، دلاوران و سرداران باتجربه هستند؟"

۲۳۰ الف) ابر مجاز از آسمان

ب) برنا و پیر مجاز از همه مردم

پ) دژ مجاز از ساکنان دژ

پاسخ سؤال ۲۳۱

۲۳۱ سهراب فهمید که او دختر است و وضع ظاهری او سزاوار تاج شاهی است

پاسخ سؤالات ۲۳۲ تا ۲۳۳

۲۳۲ جز از خداوند از کسی ترس ندارند و در فرهنگ آن تسلیم در برابر دشمن معنی ندارد.

۲۳۳ بهتر است به زور بازویت تکیه نکنی و اعتماد نکنی و مانند آن گاو نادان نباشی که از طرف خودش آسیب می بیند.

۲۳۴ به سبب شکست خوردن هجیر و آسیب دیدن گردآفرید

۲۳۵ (قلعه نشین ها) به گردآفرید گفتند: که هم جنگیدی و هم چاره سازی و نیرنگ به کار بردی، در نتیجه از جنگ تو عیب و عاری برای خاندان ایجاد نشد.

۲۳۶ جولقی

۲۳۷ حرف اضافه (به معنای "به")

۲۳۸ کلمه "را" در نقش حرف اضافه است در معنی "برای"

۲۳۹ جولقی ← بیت دوم: کلمه درویش - بدسگال ← بیت اول: کلمه بدخواه - عزم ← بیت چهارم: کلمه قصد - کید ← بیت سوم: کلمه حيله

۲۴۰ "مهربانی - روبه‌روشدن - باور داشتن - نادانی - خوار - چکیدن - ستم کردن"

۲۴۱ تمثيل

۲۴۲ جناس اختلافی

۲۴۳ ریش برمی‌کند: کنایه از شدت ناراحتی / آفتاب نعمت: استعاره از سخن گفتن طوطی
مصرع دوم کنایه از از دست دادن چیز مهمی.
آفتاب نعمت: اضافه تشبیهی

پاسخ سؤالات ۲۴۴ تا ۲۴۵

۲۴۴ حسین واعظ کاشفی

۲۴۵ مولوی - مثنوی

پاسخ سؤالات ۲۴۶ تا ۲۴۷

۲۴۶ جناس ناهمسان: آب، ناب / تضاد: سرگین، مشک

۲۴۷ جناس: هست، دست / کنایه: به هر دستی دست ندان ← احتیاط در دوستی با افراد مختلف

۲۴۸ تضاد ← بیت (۳)

تشبیه ← بیت (۱)

جناس همسان ← بیت (۲)

کنایه ← بیت (۴)

۲۴۹ الف مردان کامل، مردان حق

ب به دلیل مقایسه‌های ناب‌جا و ظاهری و قضاوت نادرست

۲۵۰ الف بیان داوری و قضاوت سطحی

ب اختلاف پدیده‌های آفرینش با وجود شباهت‌های ظاهری

۲۵۱ برای طوطی ادا و شکک درمی آورد یا برای طوطی بازی های گوناگونی انجام می داد.

۲۵۲ با مشتریان شوخی و مزاح می کرد.

۲۵۳ تفاوت فراوان آنها را مشاهده کن. (آنها باهم تفاوت بسیار زیادی دارند)

۲۵۴ ضمایم - معاصی - قبایل - جلاجل

۲۵۵ آگاه.

۲۵۶ حذف فعل کمکی "بود" - حذف به قرینه لفظی

۲۵۷ مقلوب: مغلوب / هلال: حلال

۲۵۸ بله جهش ضمیر است (از آن خورش، جان تو پرورش یابد) نقش مضاف الیه دارد.

۲۵۹ "بی درنگ - بیان کردن - سبزرنگ - خوار - رحم خواستن - بداندیش - آرامش"

۲۶۰ الف "دی" که از دبستان به سرای می شدم، در کُنج خلوتی از برزن، دو خروس را دیدم که بال و پرافراشته، در هم آمیخته و گرد برانگیخته اند..."

۲۶۱ تضمین

۲۶۲ دو

۲۶۳ نقیضه پردازی

۲۶۴ ذبح کردن

۲۶۵ مطابق میل بودن

۲۶۶ آب خوردن کنایه از آسایش - هفتاد و هشتاد سال: مجاز از عمر طولانی - هفتاد، هشتاد: جناس ناهمسان

۲۶۷ لاف زدن ← خودستایی و ادعای باطل / خشت زدن ← پرحرفی کردن

۲۶۸ سپر انداختن ← تسلیم شدن

۲۶۹ الف) (۲ ← هر آن که گردش گیتی ...) (ب) (۱ ← چه وجود نقش دیوار و ...)

۲۷۰ هیچگاه غذایی به غیر از غذای شاهانه نخور، زیرا جان و روح انسان از آن طعام پرورش می‌یابد.

۲۷۱ دیروز که از دبستان به خانه می‌آمدم در گوشه خلوتی از کوچه دو خروس دیدم.

۲۷۲ یعنی خسرو هیچ چیزی برای درس خواندن به مدرسه نمی‌آورد و یا دست خالی می‌آمد.

۲۷۳ خلاصه هر گناه زشتی را مرتکب شد و هر نوع مست‌کننده‌ای را خورد.

۲۷۴ این تصویر را با استعداد ذاتی خود نقاشی کرده‌ام.

۲۷۵ با خنده‌ای تلخ (خنده‌ای از روی ناراحتی) گفت: می‌نمی‌شنوم، برای چه کسی سخن می‌گویی؟

۲۷۶ حسودان بخیل و دشمنان بدسرشت او را به‌سوی خوش‌گذرانی و گمراهی سوق دادند.

۲۷۷ با بهره‌گیری از تکنیک موسیقی و آهنگ شهناز (گوشه‌ای از دستگاه شور)، غوغا و هیجان به وجود آورده بود.

۲۷۸ خسرو هرگز حتی یک برگه کاغذ یا یک‌تکه مداد هم با خود به مدرسه نمی‌آورد.

۲۷۹ یک‌لحظه زندگی پس از دفع دشمن از عمر طولانی ارزشمندتر است.

۲۸۰ وصفی

پاسخ سؤالات ۲۸۲ تا ۲۸۳

۲۸۲ به رنگ نیلی

۲۸۳ مالک شدن، داراشدن

۲۸۴ ارتجالاً: بی‌درنگ، بدون اندیشه سخن گفتن، فی‌البداهه / مندرس: کهنه، فرسوده / جلاجل: زنگ، زنگوله / عنب: انگور

۲۸۵ الف سرور (منادا) - سقوط (مضاف‌الیه) - نخل (مفعول) - تاکستان (معطوف)

ب تناسب (مراعات نظیر)

پ سرور = آقا، رئیس، پیشوا / ویرانی ≠ آبادی

ت "م" بعد از "سرور" ضمیر پیوسته است با نقش مضاف‌الیه؛ بنابراین وابسته محسوب می‌شود و "سرور" هسته است.

۲۸۶ یک ترکیب وصفی: شاعر ایرانی
چهار ترکیب اضافی: شهر توس - کشتار مردم - روزگار خود - مردم آن

۲۸۷ باران: نماد پاکی و طراوت و رویش - فصل: نماد دگرگونی و پویایی

۲۸۸ مراعات نظیر در مصراع اول

۲۸۹ بار به دوش گرفتن: کنایه از قبول مسئولیت دیگری

۲۹۰ جنوب: مشبه / ستاره: مشبه‌به

پاسخ سؤالات ۲۹۱ تا ۲۹۲

۲۹۱ مائده‌های زمینی و مائده‌های تازه

۲۹۲ سدیدالدین محمد عوفی

۲۹۳ الف و ب ← درست

۲۹۴ تشخیص

۲۹۵ شهیدان زمینه‌ساز ظهور امام زمان (عج) هستند.

۲۹۶ ظلم‌ستیزی در سرزمین لبنان، ادامهٔ ظلم‌ستیزی امام حسین (ع) در کربلا است.

۲۹۷ تیمور لنگ - چنگیز

۲۹۸ ای جنوب! قیام تو آسمانی است. (هر نظری که معلمان محترم دارند)

۲۹۹ هویت و شناسنامه

پاسخ سؤالات ۳۰۰ تا ۳۰۲

۳۰۰ تیمور بعد از فتح کردن شهر توس دستور داد که از قتل‌عام مردم توس خودداری کنند؛ زیرا فردوسی شاعر ایرانی، زندگی و عمر خود را در شهر توس گذرانده است.

۳۰۱ ای سرزمینی که خاک حاصلخیز داری و بسیار مقدّس هستی.

۳۰۲ مقاومت و پایداری در بخش‌های غیرزنده از جمله کشتی‌های صیادی نمایان است.

پاسخ سؤالات ۳۰۳ تا ۳۰۴

۳۰۳ مسند

۳۰۴ منادا

۳۰۵ الف) "ای کسی که مفتخر به طالع مسعود خویشتن هستی"، کسی محذوف است

۳۰۶ ندیده‌ام: ماضی نقلی / نخواسته باشم: ماضی التزامی / نثار کنم: مضارع التزامی

۳۰۷ الف) عطف، انعطاف، منعطف، عاطفه، عواطف، عاطف

ب) احسان، لطف، مهربانی، نوازش، عنایت، التفات...

۳۰۸ الف (قطعه‌ای از یک باغچه)

ب (پادشاهان روسیه در گذشته)

پاسخ سؤالات ۳۰۹ تا ۳۱۰

۳۰۹ آندره ژید

۳۱۱ جمله اول و دوم به شیوه بلاغی است و جمله آخر به شیوه عادی است.

۳۱۲ الف) - تشبیه

ب) - کنایه (سوزاندن کنایه از نابودن کردن)

ج) - مجاز (چشم مجاز از نگاه)

۳۱۳ تشخیص: آسمان در انتظار سپیده دم / کنایه: لرزیدن آسمان و رنگ باختن ستاره‌ها، غرق در چیزی بودن / مراعات نظیر: آسمان و ستاره، چمنزار و شبنم

۳۱۴ در هر دو به تغییر نگرش انسان نسبت به جهان خلقت توصیه شده و اینکه باید با بصیرت و آگاهانه به جهان پیرامون خود نگریست.
یا: نگاه عاشقانه و پرمهر بر پدیده‌ها داشتن و توجه به زیبایی‌های معنوی جهان

۳۱۵ لازمه ارزشمند شدن و تعالی، تحمل رنج و سختی است.

۳۱۶ آنچه مهم است نگرش و بینش آدمی است که چگونه به پدیده‌ها نگاه می‌کنند و نسبت به آن‌ها چگونه فکر می‌کنند نه خود اشیا. (هر نظری که معلمان محترم دارند)

پاسخ سؤالات ۳۱۷ تا ۳۱۹

۳۱۷ جار زد.

۳۱۸ باغچه را کرت بندی می‌کرد.

۳۱۹ مشورت کرد.

۳۲۰ عبارت "ب" (مفهوم مشترک: تجلی خداوند در آفرینش و غفلت انسان‌ها از دریافت این مفهوم).

پاسخ سؤالات ۳۲۱ تا ۳۲۵

۳۲۱ اگر مخلوقی نظر و توجه ما را به خود جلب کند، ما را از خداوند دور می‌گرداند.

۳۲۲ هر انسانی که ارزشمند است، بیشتر از دیگران در رنج و سختی خواهد بود و آزار بیشتری خواهد دید.

۳۲۳ در سراسر سرزمین خود جار زد. (ندا درداد یا بانگ زد)

۳۲۴ خدایا، هواهای نفسانی را از ما دور کن و ما را به خودمان واگذار مکن. (ما را هدایت کن)

۳۲۵ ایمان به خداوند و درک ذات خداوند عین خوشبختی است و تو ای انسان، همه خوشبختی خود را در خداجویی و خداشناسی بدان.